



کارگران جهان متحد شوید!

رزمندگان

ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر

سال اول شماره ۲۰ دوشنبه ۲۲ تیر ۵۹ - باضمیمه ۳۰ ریال

(کمونیست ها هرگز به مردم دروغ نمی گویند)
کمونیست ها هرگز به صاحبان قدرت تکیه نمی کنند
کمونیست ها فقط به قدرت طبقه کارگر و سایر
زحمتکشان و روشنفکران انقلابی متکی هستند
(ولادیمیر ایلیچ لینن)

صدای توده ها

بحران اقتصادی - سیاسی
حاکم برجاسته ما روز بروز عمیق
و جدت بیشتری میابد و این هفته
از درون آن، تهاجم وسیع و جدی
حکومت بر علیه دگه داران بیرون
زده است. نه تنها دستورهای بی دریغی
دولت و شهرداری برای جمع کردن
دگه ها، سرانجام با اولتیماتوم
و فرمان سختگیرانه و بیشرمانه
دولت همراه شده، بلکه به همین اندازه
به بستن دگه ها و ایستادگی در مقابل
بل مقاومت کارگران و زحمتکشان
که تا روزانه خود را از این طریق
بدست می آورند، سخت گردیده است.

بیکاری وسیع که از سال ۵۶
بدینسو گریبان اقتصاد سرمایه داری
و ایستاده دودستی چسبیده هر روز
ایضا دو وسیع تری میگیرد. در همین
هفته های اخیر بیش از ۱۰۰ کارخانه
به علل مختلف از کار افتاده و کار -
گران آنها اخراج گردیده اند. دولت
بسیاری از کارمندان را از بدنه -
بوروکراسی متورم خود میکند، و
به صفوف بی کار - انبثاب میکند.
هر سال بیش از نیم میلیون دانش
آموز با بیایان رساندن تحصیلات
دبیرستانی وارد لشکر بیکاران
میشود. اقتصاد بحران زده و ناتوان
سرمایه داری و ایستاده که از استقرار
گردش عادی سرمایه عاجز شده است
قوت جذب مجددا اصولاً جذب آنان
را ندارد.
هر کس به خاطر دارد که سر تا سر
سال ۵۸ ملو از مبارزات خونین
کارگران و زحمتکشان بیکار با حکومت
میت بود.

اصلاحات ارضی و جمهوری اسلامی

قسمت دوم

در شماره قبل به نتیجه

نهایی اصلاحات ارضی
بورژوازی رژیم شاه اشاره

کردیم. املاحاتی که از جمله
نتایج آن تمرکز بیشتر
توده دهقانان بر روی زمینها
کوچک و تمرکز زمینهای بیشتر
در دست مالکین بزرگ
(دولتی و خصوصی) بود. حاصلی
که معنای آن از دیاد فقر و
سیروزی این توده دهقانان
و اجبار به پذیرش پروسه در -
ناک رها نمودن روستاها
و پیوستن به خیل تهیدستان
شهری گشت.

بقیه در صفحه ۱۲

پاسخ به نامه ها

در صفحه ۳۰

خلق و ضد خلق اسطیلاب سیاسی پیکار و ... (۴)

حال که پایه و علت توسل "پیکار" به آنچنان
فرمول بندی را دریاقتیم. ببینیم که ادبیات
م. ل. چگونه برخوردی به مفاهیم خلق و ضد خلق
و رابطه آنها با انقلاب و ضد انقلاب دارد. مقدمتاً باید
گفت که در هیچ گوشه یی از ادبیات م. ل. سراغی از
لب جفت واره و پایه قرار دادن آن برای تعیین و
قالب بندی استراتژی و تاکتیک بخشم نمیخورد.
مارکس و انگلس با رها از انقلاب و ضد انقلاب سخن
گفته اند، ولی هیچگاه آنرا قالب بندی آنچنانی که
که با خلق چنین تمایزی و با ارتجاع چنان تمایزی
دارد، ننمودند.

بقیه در صفحه ۷۰

جنگ و صلح در کردستان (۲)

درباره موضع اپورتونیستی
اکثریت کمیته مرکزی "س.ج" و "شاه کردستان"

حال تفاوت نظیم بعدی میان خط مشی
لنینیستی و پاشیسم ظاهر میگردد. تردیدی
وجود ندارد که خلق کرد در قبال حاکم پاشیسم
تاکتیک های متفاوتی دست میازد. بطور کلی تا
کنون تاکتیک اصلی خلق کرد در مقابل تهاجمات
هیات حاکمه دفاع فعال بوده است. این تاکتیک
جزئی از شیوه اصلی نابودی سیستم کنونی یعنی
شیوه قهر آمیز است که بنا به شرایط معینی که از

بقیه در صفحه ۲۰

در پیک رزمندگان می خوانید:

- پاکسازی کوششی به قصد منحرف کردن
مبارزات مردم!
- مبارزات متحدانه کارگران: تنها راه جلوگیری
از تعطیل کارخانجات
- دگه داران شهر به شهر مقاومت در مقابل
سرکوب
- در جریان بخش خبرنامه کومه له در فیر و رکو
رفیق اسفندیار قربانی شهید شد.
- اخبار کارگری ● اخبار کردستان قهرمان
و ...

کارگران جهان متحد شوید!

سرمقاله

در بسیاری موارد این سرخوردن‌ها به صورت قهراً می‌زود آمد و چندین روز شهرها را در خود فروبرد. نمونه برجسته این موارد را میتوان در اندیشک، درود، کرمانشاه و... مثال زد. قریب ده‌ها غذا می‌پزیست. لیستی رژیم و تلاش‌های آنها در به خون کشاندن این مبارزات، نتوانست مدت زیادی دوام آورد و در نیمه دوم سال ۵۵ به خوبی شاهد رشد و افزون این مبارزات بودیم. درگیری میان کارگران (اعم از شاغل و بیکار) با سرمایه‌داران (اعم از خصوصی و دولتی) در طی یکسالونیم پس از قیام فقط و فقط تغییر شکل یافته است و علی‌رغم همه توهمات و تردیدهای سیاسی کارگران نسبت به این حکومت، طبقه کارگر مبارزه خویش را مرتباً توسعه داده و اکنون نیز آزار به پیش می‌برد. بخشی از این بیکاران که جذب کارهای توزیعی حقیرانه‌ای شده بودند، تنها برای یک مدت کوتاه می‌توانستند صرف مبارزه خود به همراه بیکاران را ترک کرده باشند، اما هر کسی میدانده که در داری و خربید و فروش کوچک دکه‌داران نام دیگری هم داده‌اند بیکاری پنهان، بیکاری تغییر شکل یافته، از اینرو، دکه‌داری که به جنبش کارگران بیکار ضربه‌ای می‌زد نمی‌توانست مدتی طولانی از این جنبش و از مبارزات عمومی طبقه کارگر جدا بماند. زیرا حقیقتاً

شما همان بیکارها هستید به سرکار خویش برگردید!

وقاحت هیات حاکمه در بی اعتنائی نسبت به زندگی هزاران زن و کودک وابسته به این دکه‌داران از آنجا بیشتر پیدا می‌گردد که آنان را متهم به رواج فساد، فحشاء، مواد مخدر و غیره مینمایند.

در حالیکه بیکاری با نرخ سریع رشد میکند، و از کار افتادن بسیاری از کارخانه‌ها به علل مختلف به امری عادی تبدیل شده و سرمایه‌داران به علت وضع بحرانی جامعه حاضر به سرمایه‌گذاری نیستند، دولت به دکه‌داران فلاکت زده اعلام میکند که دست از فساد (یعنی امرار معاش) بردارند. گسترش دکه‌داری، ولشکر بیکاران نشاء از فلاکت در زندگی میلیونها زحمتکش و خانواده‌شان است. آنها به نیرویی خطرناک در برابر حکومت تبدیل شده‌اند. جنبش مبارزه بورژوازی هیات حاکمه که حتی دوران اندیشی ضد انقلابی بورژوازی را نیز تداوم حمله خود را به این زحمتکشان در اکثر شهرهای بزرگ (که اساساً مسئله دکه‌داری در آنجا اهمیت دارد) آغاز کرده و در بسیاری نقاط با قهر و با مقاومت آنها روبرو گردیده است و روحیه طغیانگری و حرکت ضد سرمایه‌داری در این کارگران که به کار طاقت فرسای فروشندگی کوچک روی آورده‌اند، توسعه یافته است. و این امر حکومت را به مبارزه جدیتر با آنان میکشاند.

دکه‌داران و بیکاران، حاضر

ابلهانه است هر آینه گمان کنیم جنبش خود بخودی کنونی، "خود بخود" تکامل می‌یابد و خود بخود به شکل مناسب دزمی آید و ابلهانه‌تر است اگر گمان کنیم جنبش انقیضی با اجازه ما رشد میکند. اکنون شرایط برای تربیت توده‌ها و آگاه افکار و آلت‌رنا تیا انقلابی فراهم شده است.

از آنجا که توزیع کنندگان متوسط، دکانداران و خرده‌بورژوازی توزیع کننده بطور کلی، آنرا در حکم تقسیم درآمد خود با بخشی از بیکاران، بحساب می‌آورد (و واقعاً نیز چنین است) منجر به نارضایتی شدید آنها و تحت فشار قرار دادن دولت و علی‌الخصوص جناح خرده‌بورژوازی حاکم، برای برچیدن این دکه‌ها و به اصطلاح پاکسازی شهر میگردد. حکم سرمایه‌داری در مورد دکه‌داران به اجرا در می‌آید و به آنها اعلام میشود

بودند بحران اقتصادی سرمایه‌داری وابسته را تا مدتی پس از قیام، از آنجا که گمان میکردند این هیات حاکمه ممکن است بحران را حل کند، تحمل نمایند. اما تجربه بزرگترین آموزگار انسان است و تجربه میگوید این هیات حاکمه نماینده انقلاب توده‌ها نیست. نماینده خیانته به انقلاب نیرویی بر ضد انقلاب بر ضد انقلاب مشکلات و بدبختی توده‌هاست. زحمتکشان بی‌میلند که آنچه موجب بحران کنونی، و بدبختی

های آنهاست همان سرمایه‌داری وابسته است که هیات حاکمه آنرا حفظ کرده و مبارزه کارگران و زحمتکشان بر علیه آنرا سرکوب میکند. اینست که این بار کلی هیات حاکمه، کل سیستم موجود میباشند که مورد سؤال و نفی آنها واقع میگردد. و اینرا بوضوح در شعارهای مکرر آنها از قبیل مرگ بر سرمایه‌داری، مرگ بر سرمایه‌داری، میتوان دید.

اگر ایما دعا عرض، و بر خورده‌ای طبقه‌ای موجود در نظر بگیریم،

دکه‌داران و بیکاران، حاضر بودند بحران اقتصادی سرمایه‌داری، وابسته را تا مدتی پس از قیام، از آنجا که گمان میکردند این هیات حاکمه ممکن است بحران را حل کند، تحمل نمایند. اما تجربه بزرگترین آموزگار انسان است. و تجربه میگوید که این هیات حاکمه نماینده انقلاب توده‌ها نیست.

علیه حکومت!

اگرچه بورژوازی حاکم در این اقدامات نقش خود را ایفا میکند و از امضاء کردن زیر هیچیک از اعلامیه‌های هیات حاکمه فرو نمیگذارد، اما تلاش جدید خود را آشهر برداری از پیچیده‌تر شدن اوضاع و تلاش هر چه بیشتر تروم توده‌ها و علی‌الخصوص رودرویی مستقیم آنها با جناح خرده‌بورژوازی حاکم به آینه موکل کرده است: بگذار آنها قبر خود را بکنند، بگذار آنها، در برابر توده‌ها قرار بگیرند، اما این ما، بورژوازی هستیم که بر سران خاک خواهیم ریخت!

موارد دیگری از زمینه بهره‌برداری آتی بورژوازی حاکم را در ارتباط با اقدامات جناح دیگر نیز میبینیم. چه در مورد جناح چه در مورد موداخراج کارمندان، چه در مورد مسئله رانندگان تاکسی و اینبار در مورد بیکاران! آنچه که در اینجا اهمیت دارد، و هیات حاکمه بطور کلی و بورژوازی بدان دل خوش کرده‌اند بازی با نیروی توده‌هاست. این امر با توجه به رشد جنبش و تلاش بورژوازی برای استحکام پایه‌های خود از طریق به زمین زدن برگ برنده، در برابر جنبش در آینه اهمیت دارد. لیکن اهمیت آن برای کمونیستها، که مدتی است واقعاً

بقیه در صفحه ۶

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر!

پاسخ به نامه ها

منطق سیاسی - اجتماعی رجعت طلبی را از سوی ضد انقلاب سرنگون شده در اثر انقلاب ۵۷ امکان پذیر نموده است .

مجموعه این عوامل بصورتی جدی به کمونیست ها گوشزد میکند که این خلا را پر کنند . مهمترین اقدام در شرایط کنونی پرکردن این خلا از نظر سیاسی است . بیاب عبارت دیگر اکنون کمونیست ها باید برای توده ها توضیح دهند که کدام حکومت ، کدام راه حل های اساسی قادر به حل بحران های عمیق جامعه و کدام نیروی انقلابی قادر به برآوردن این ضرورت بزرگ است .

مسائل پراهمیت فوق اکنون مدتی است که در صدر توجه سازمان ما قرار گرفته است . ما امیدواریم که به سهم خود در پاسخگویی وظایف ذکر شده قدم برداریم ، و این کار را در قالب ضروری آن ، یعنی ارائه یک برنامه هر چند عمومی اما جامع و آن شکل حکومتی که قادر به اجرا آن خواهد بود ، به همراه تمام آن جنبه های اساسی که بتواند علل سیر شکست حکومت فعلی و ضرورت روی آوردن توده ها بسوی کمونیست ها و کلاً انقلابیون را توضیح دهد ، تهیه کنیم . تنها به این صورت است که ما خواهیم توانست آنچه رفقا بعنوان ضرورت طرح آلترنا - تیو و شعارهای مشخص طرح میکنند را پاسخ دهیم .

رفیق در نامه خود به مقاله نقدی بر بیانیه وحدت (رزمندگان ۱۲) اشاره کرده و در آن جمله ای نادرست دانسته است . این جمله چنین است "یا پایگاه های اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی" امپریالیسم چیزی غیر از طبقات و اقشار بورژوازی . کلاً نه نیروهای است که از نظام سرمایه داری دفاع میکنند ؟ " رفیق متذکر شده است که در جمله فوق باید نظام سرمایه داری و استبداد فئودال و نظام سرمایه داری بطور عام . آنچه در این انتقاد صحیح

توهمات و اعتماد نسبت به هیات ها - که در رابطه با توانایی آن در حل مشکلات و مسائل اساسی انقلاب و جامعه ، خارج میشوند ، این سؤال درجا مع عمومیت میباید که کدام حکومت ، کدام نیروی سیاسی ، و کدام راه حل های اساسی قادر به انجام آن چیزی است که هیات ها حاکمه از آن درمانده است .

البته این سؤالها در نزد لایه های پیشرو و آگاه توده ها مدت ها ست که متفکراً تکاپوی آنها برای جستن راه حل در میان جریان های مختلف انقلابی و یا کلاً جریان های سیاسی است . اما آنچه مشخصه جدید اوضاع سیاسی و اجتماعی را تشکیل میدهد پیوستن لایه های وسیعتری از توده های کارگر ، و کلاً زحمتکشان جامعه به طیف وسیع جویندگان این سؤال ها ست .

هرگاه این خصوصیت جدید سیاسی - اجتماعی را در متضمن وضعیت بحرانی جامعه (چه اقتصادی و چه سیاسی) در نظر گیریم ، و مبارزه رو به عمق طبقاتی زحمتکشان را بر علیه بورژوازی و نظام سرمایه داری وابسته را بر آن اضافه کنیم چشم انداز روشن و نوید بخشی را درمی یابیم که در صورت تشخیص و انجام وظایف بزرگ انقلابیون و بویژه کمونیست ها قابل تحقق است . اهمیت پاسخگویی به این وظایف را ما با هم بیشتر متوجه خواهیم شد ، اگر به شدت گیری رقابت های درونی حکومت و ضعف مجموعه آن در حفظ اعتماد توده ها نسبت به هر کدام از آنها دقت کنیم .

در کنار این بحران که بتدریج تمام جامعه را از "پائین" و "بالا" بیشتر و بیشتر در خود فرو میبرد ، خطرات ناشی از تبلیغات و عملیات ارتجاعی آن دسته از ضد انقلابیونی که مشخصاً از انقلاب ۵۷ ضربه های بزرگ و مستقیم خورده اند (جریان های وابسته به رژیم شاه ، به تبار و ...) و به روشد است ، در واقع این خطرات ناشی از دورنمای شکست جمهوری اسلامی است ، که گسترش یافته و اکنون برای توده های گوناگون

انتقادات ، تذکرات و تائیداتی که رفقای مختلف در نامه های خود نسبت به هیات تحریریه بعمل می آورند در واقع عکس العمل مستقیم وزنده خوانندگان ما ست . آنهم خوانندگانی که بدست مسئولیت خود را در استفاده از امکانات غیر علنی رساندن نامه بدست ما بر آورده میسازند . محتوای نامه ها گویای دقت نظر این رفقا و نیز نشان دهنده آن سؤالاتی است که مقالات "رزمندگان" هنوز بخوبی از پاسخگویی آنها برنیامده و یا ابهاماتی است که میباید به آنها بپردازد . از همین مختصر میتوان دریافت که نامه های شما چه نقش مهم و سازنده ای را برای پیشرفت کار هیات تحریریه و بهبود "رزمندگان" به عهده دارد .

اگرچه تعداد نامه ها (مگر در موارد خاصی) پاسخ تک تک به آنها را غیر مقدور میسازد ، اما هر کدام از آنها تذکری است که کدام مسئله را باید مورد دقت و پاسخگویی قرار داد به همین خاطر ما از تمام خوانندگانمانی که امکان رسانیدن نامه بدست ما را دارند دعوت میکنیم که حتی الامکان ما را از برقراری این نوع تماس بهره مند سازند .

در نامه های خود حتماً نامی مستعار ، تاریخ و شهر خود را تذکر شوید تا بتوانیم شما را از رسیدن نامه ها بدان مطلع کنیم و نیز در صورت لزوم پاسخ مشخص شما را از همان طریق ارسال نامه بازگردانیم .

در تعدادی از نامه ها (بویژه نامه های رفیق حسن (کارگر) رفقا د ، ت ، و رمعی از اصفهان) ضرورت یک تحول یا در واقع تکامل در امر تبلیغ و ترویج اشاره شده است . رفقا بدروستی متذکر میشوند که سطح مبارزات توده ها و مسائل مختلفی که در حین این مبارزات مطرح میشود ، بگونه ای است که اقتضای گری های جانب مختلف عملکرد هیات حاکمه برای نشان دادن ماهیت آن ، در حفظ نظام سرمایه داری وابسته ، دیگری به تنهایی پاسخگوی سؤالاتی که بتدریج در ذهن توده ها ، بویژه بخشهای پیشروی آنها ، بوجود میاید نمیباشد .

هم چنانکه "رزمندگان" در مقالات شماره های اخیر خود به این نکته بسیار مهم اشاره کرده است ، اکنون برای توده های گوناگون

میباشد اینست که در این مرحله از انقلاب پایگاه های اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی امپریالیسم درجا مع ما تمام آن نیروهای نیستند که در شیوه و مناسبات تولیدی سرمایه داری ذینفع بوده و لذا از آن دفاع میکنند حضور بخش عمده خورده بورژوازی در صفا انقلاب بیش از هر چیز این نکته را نا شید میکند . اگرچه ما در جمله فوق مدافعین یک نظام اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی را بعنوان پایگاه های امپریالیسم ذکر کرده ایم و نه مدافعین مناسبات تولیدی سرمایه داری را بطور کلی اما هنوز معیار ما برای تشخیص "پایگاه ها" دقیق نیست . علاوه بر اینکه باید نقش پایگاه بودن نظام را نسبت به امپریالیسم نشان دهیم میباید مشخصاً آن نیروی طبقاتی که برای احیای منافع لطمه خورده ، امپریالیسم و برقراری شرایط مطلوب امپریالیسم چه از نظر اقتصادی و چه اجتماعی و سیاسی تلاش میکند ، و مستقیماً در این راه میکوشد را در این مقطع از سیر تحول ت ج ا مع مشخص کرده و به این پایه پایگاه طبقاتی امپریالیسم را رو - ش میساختیم . این نیروی طبقاتی در شرایط کنونی طبقه بورژوازی است که البته منظور تمام عناصر آن نمی باشد . این طبقه است که مستقیماً و بلاواسطه چه از نظر اقتصادی چه از نظر اجتماعی و سیاسی در خدمت امپریالیسم میباشد . شکی نیست که این نیروی طبقاتی مدافع مناسبات و طبقاتی نظام سرمایه داری و وابسته در این است ، اما آنچه میباید نقطه شروع ما در روشن نمودن سؤال فوق باشد تشخیص هویت طبقاتی پایگاه امپریالیسم - در این مقطع از مبارزات طبقاتی - و نشان دادن انطباق منافع آن با منافع امپریالیسم میباشد . به این خاطر ما باید چنین بیان میکردیم که : "پایگاه اجتماعی ، اقتصادی و سیاسی امپریالیسم در این مقطع از مبارزات طبقاتی جامعه طبقه بورژوازی است ." ذکر نکات فوق که برای نشان دادن اینست که ما از لحاظ انتقاد رفیق را نسبت به این سهل انگاری قبول میکنیم و چه اصلاحی را در آن ضروری میدانیم ، در بر خورده ما به "وحدت انقلابی" در این مورد تفسیری وارد نمیکند ، بلکه آنرا روشن تر میسازد . "وحدت انقلابی" نه تنها پایگاه امپریالیسم را به سرمایه داران بزرگ و وابسته زمین داران و مالکان بزرگ محدود میکند و آنرا به طبقه بورژوازی متمم نمیدهد ، بلکه نیز با تحلیل "بورژوازی ملی" در واقع بورژوازی لیبرال را از چرخه پایگاه های امپریالیسم خارج میکند یعنی نیرویی را که در قدرت سیاسی حضور مهمی داشته و نقش درجه اول را در عهده دار بودن منافع مستقیم امپریالیسم بازی مینماید *

بقیه از صفحه ۱

جنگ و صلح در...

حوضه این مقاله خارج است با اشکال متفاوت ترکیب یافته و با جنگ های دوره ای، آتش بس ها، مذاکرات، ...، جنبش مقاومت و غیره همراه میگردد. از آنجا که پیروزی قطعی بر هیات حاکمه محصول خیزش عمومی کارگران و زحمتکشان و همه خلقهای ایران است، و با وجود پراکندگی و عدم توازن و هم سطحی در مبارزه در کردستان دولت قاربه تمرکز نیرو و ... میباید، نمیتوان انتظار داشت که بلافاصله خلق کرده پیروزی دست یابد. از این نظر و بطور کلی نشیب و فرازهایی در جنبش انقلابی بروز خواهد کرد که محتاج انعطاف لنینی و سازش یا مذاکره یا ... میباید. ما مخالف سازش، مذاکره صلح، یا آتش بس بطور کلی نیستیم. ولی هیچگونه مذاکره، سازش و ... نباید ما را نسبت به وظایفمان در قبال "طبقه کارگر، هدف انقلابی، به وظیفه امان برای صاف کردن راه برای انقلاب و آموزش توده مردم - ای پیروزی در انقلاب" ذر های منحرف نماید و یا به کجراه بکشانند. تنها چنین سازشی، میتواند از لحاظ مارکسیسم نه تنها معنی دار بلکه اصولی و صحیح باشد و پس لنین در این مورد در نوشته خود (درباره سازش) نوشت:

"انگلس موقعی که در انتقاد از مانیفست کمونیستهای بلانکیست (۱۸۴۷) اعلامیه آنها را مبنی بر "سازش هرگز!" مسخره میکرد، حق داشت. او میگفت که این عبارت میان تهی است. زیرا که اغلب سازشها بطور اجتناب ناپذیری بر یک حزب جنگنده بخاطر شرایط تحمیل میشوند، و پیوسته است که یکبار زور برای همیشه از پذیرفتن "پرداخت علی الحساب" امتناع کرد. وظیفه یک حزب واقعاً انقلابی این نیست که اعلام کند که چشم پوشی از تمام سازشها غیرممکن است. بلکه اینست که بتواند در طی تمام سازشها - موقعی که سازش اجتناب ناپذیر است - به اصول خود، به طبقه اش، به هدف انقلابی، به وظیفه اش برای صاف کردن راه

برای انقلاب، و آموزش توده مردم برای پیروزی در انقلاب صادق بماند".
درباره تاکتیکها، ص ۱۸ تا - کید و خطی از ماست. او برای این اساس است که میگوید: "از نظر من، بلشویکها که با رتیزانهای انقلاب جهان - شیوه های انقلابی هستند، ممکن است و باید با این سازش (منظور سازش با اس - ارها و منشویکها در یک لحظه یا شرایط معین در سال ۱۹۱۷ است - روزمندگان) موافقت کنند."

همانجا - ص ۱۹ بنا بر این در شرایط کنونی کردستان نیز طرح هرگونه سازش که اصل فوق را رد کند، سازشی اپورتونیستی است. سازشی است که نه مبتنی بر متافع انقلاب و نه تاکتیک موقتی در خدمت استراتژی بلکه در جهت نفی انقلاب و بهر کودکشاندن

همراه دمکرات ها و دیگران (و همین طور همکاری با دمکرات ها در مراحل مختلف (علی رغم ماهیت آنها) اشاره کرد. در همه حالات فوق ما دیدیم که هدف اصلی و استراتژیک یعنی - انقلاب و حقوق اساسی خلق کرد، با - بمال و نفی نشده اند. بلکه برعکس این تاکتیک ها از آنجا که مبتنی بر انکاء به انقلاب و رشد توده ها و سازما ندهی آنها در مبارزه برای هدف نهایی بودند، در مبارزات بعدی و جنبش مقاومت خلق کرد نقش برجسته ای ایفا نمودند. آنها بطور موقت شرایط نامساعد را پذیرفتند اما تاکتیک در اینجا نافی استراتژی نبود. آنها به توده ها نگفتند: "جنگ برادرکشان" (استلا) آنها برای علت جنگ، محافل جنگ افروزرز را ترسانیدند. و در توده ها نسبت به هیات حاکمه توهم ایجاد نکردند. آنها (و بقیه کمونیستهای منطقه) بدرستی دشمنان خلق کرد را هیات حاکمه را افشاء نمودند و در بنکها ها و اتحادیه های دهقانی تاحد ممکن به پرورش سیاسی و مبارزاتی مردم پرداختند و جنبش انقلابی را

وقتی میگویند نیروهای یعنی و عوامل امپریالیسم آمریکا شاه فراری در منطقه مشغول فعالیتند. "س.ج. گمان میکند که در مقابل آنها باید تسلیم ضد انقلاب حاکم گردید. نیروهای انقلابی هر جا که نیروهای ضد انقلاب باقی وجود داشته باشند باید مستقل از حکومت، مستقل از ضد انقلابی که با ضد انقلاب دیگر میجنگد آنها را سرکوب کند و در این راه، به توده ها، بسیج آنها و فقط استقلال خود اتکاء نماید.

سازماندهی و تقویت کردند. این شیوه نافی استراتژی نیست. در شرایط کردستان امروز، با توجه به مواضع نیروها و اوضاع عمومی جنبش انقلابی، اشغال شهرهای کردستان و بطور کلی با در نظر گرفتن خط عمومی جنبش انقلابی مهمترین وظیفه انقلابیون سازماندهی جنبش مقاومت خلق کرد و پیشبرد آنست. در مسیر این خط اصلی، که به مثابه پشتوانه برای جنبش و نیروی قهر ضرور برای شرایط کنونی کردستان است، و باید ایده آنها در میان توده های کرد گسترش داد، نباید مکان هر گونه مذاکره و سازشهای ضروری و موقتی را ندیده گرفت. ضد انقلاب قصداً در با تفکیک نیروهای منطقه و قبول یک برنامه فریبکارانه (که حتی به آن نیز پای بند نیست)

نیروهای منطقه را به رودرویی بکشاند. طبیعی است که انقلابیون هشیارا - نه با بدفعالیت های ضد انقلاب را - تعقیب کنند و دست سازشکاران را ببندند. معنی این امر داشتن طرح و برنامه مشخص برای ادا مانه جنبش مقاومت همچنین تعارض در جبهه سیاسی است.

داشتن طرح و برنامه مشخص برای ادا مانه جنبش انقلابی کردستان، ابداع معنای آن نیست که از موضع تسلیم، با قوای اشغالگرو هیات حاکمه وارد مصلحتی شده جزیه معنایی قبول شکست در کردستان نیست. معنای ترک جنبش انقلابی نیست زیرا اساس استمرار و تداوم جنبش مقاومت و تداوم تربیت و سازماندهی توده ها است.

"س.ج. وقتی میگوید کافیهست دولت موضع خود را در قبال خود مختاری اعلام کند تا ما از آن حمل بیت کنیم (بدون اینکه معلوم باشد اصلاً این موضع چیست)، وقتی جنگ را "برادرکشان" توصیف میکنند و محرک اصلی آنرا "محافل جنگ افروزرز و انگیزه آنها" جنگ افروزی "مینامد. وقتی حاضر میشود به پیشنه سازد بهشتی آنچه را به توده گفته است پس بگیرد، و به تبلیغ ایده های پسا - سیفیمی بپردازد، دیگر نه از موضعی انقلابی، نه از موضعی لنینی که از موضعی تسلیم طلبانه به سازش و ضربه زدن به جنبش خلق کرده بود حکومت "خلق" پرداخته است.

صلح طلبی "س.ج." تاکتیک نیست استراتژیک است. آنها بجای تحکیم جنبش مقاومت، آموزش و آماده کردن مردم برای ادا مانه جنبش مبارزه، ایجاد وحدت و سیمت میبایند جنبش خلق کرد و جنبش سرتاسری در ایران، تأمین شرایط مساعد برای گسترش ابعاد مبارزه خلق کرد و تربیت کبی حقیقی آن از لحاظ سیاسی و عملی با جنبش در سایر نواحی، و خلاصه ادا مانه انقلاب، بطور کلی به فریب خلق کرد پرداخته اند، و به آنها توصیه میکنند که حول شعار "مرکز برای امپریالیسم جهانی" با هیات حاکمه متحد شوند! دشمن طبقاتی آنها را از نظرشان میبایند زنده و وحدت حقیقی و اشرنجش خلق کرد را در حفاظت و صیانت از دستاوردهای قیام بهمن ماه تاکنون نفی

نابود باد سرمایه داری وابسته به امپریالیسم!

جنگ و صلح در . .

میکند چنین کاری جز تسلیم طلبی

وعوا مغربی برای توجیه اپورتو -

نیم راست چیست ؟

و وقتی "س.ج." به این صورت راجع به "ملح طلبی" ساکنانه خود سخن میگوید، آنگاه مضمون اصلی استدلال های ملح طلبانه آنها آشکار میگردد:

"ما اعتقاد داریم از آنجا که دشمن اصلی خلقهای ما امپریالیسم آمریکاست هرگونه دفاع از حقوق دمکراتیک خلق کردالزما از کمال مبارزه با دشمن اصلی ما میگذرد. بدین جهت باید علیه اصلی حمله خود

ما مخالف سازش، مذاکره، صلح، یا آتش بس بپوکلی نیستیم ولی هیچگونه مذاکره، سازش و... نباید ما را نیست به وظایفمان در قبال "طبقه کارگر، هدف انقلابی، به وظیفه امان برای صاف کردن راه برای انقلاب و آموزش توده مردم برای پیروزی در انقلاب "ذره ای منحرف نمائید یا به کجراه بکشاند.

"س.ج." بجای توضیح نیروهای حقیقی درگیر در جنگ، بجای اینکه نشان دهد جنبش خلق کرد تاکنون چه نقش عظیمی در پیشبرد انقلاب داشته است سرتا سر آنرا بسود عوام رژیم شاه ارزیابی میکند و نمیبیند که در واقع دوسوی جنگ، انقلاب و ضد انقلاب است. او دشمن رودر روی توده ها را خلق مینامد و از "حاکم و محکوم" میخواهد صلح کنند، فراموش کنند، و حول نیزدیا آمریکا متحد شوند. و جالبست که تقاضای صلح خود را از دولتی میکند که یک بخش آن را همین لیبرالها و... تشکیل داده اند. آنها از هوا دارا - نشان نمیکشند که مضمون حقیقی آنچه را گذشته به توده ها بگویند و آنها را برای انقلابی واقعی مادی قانع تربیت کنند.

وقتی میگویند نیروهای بعثی و عوام امپریالیسم آمریکا و شاه فراری در منطقه مشغول فعالیتند و "س.ج." گمان میکند که در مقابل آنها باید تسلیم ضد انقلاب حاکم گردید، کاملاً روشن است که این گمان فقط و فقط میتواند از عدم درک راه صحیح ادامه مبارزه ناشی شده باشد. نیروهای انقلابی هر جا که نیروهای ضد انقلاب سابق وجود داشته باشند

را متوجه آن عناصرونیروهای سیاسی نمائیم که مجری سیاست های امپریالیسم در منطقه میباشد که در اساس تمامی آنها نیروهای ضد خلقی وابسته به رژیم فاشیستی بعث و امپریالیسم آمریکا قرار دارد. ما میدانیم که عوام مل جنگ افروز در هیئت حاکمه (!) که در اساس آن فرماندهان مزدور ارتش قرار گرفته اند (انسانها بدیخیلی فراموشکار را بداند تا فراموش کند چه کسی در ۲۷ مرداد ۵۸ دستور حمله به کردستان را صادر کرد!) و از ارتش (!) خواست اطاعت کند و فرماندهان با سر بدنیاال این هدیه شتافتند! سیاست های خود همسرو همگام با مزدوران وابسته به بعث و امپریالیسم آمریکا عمل میکنند. محاصره، اتمام دی گردستان، ... تلاش جهت حل مسئله گردستان از راه نظامی، بهتر - بین شرایط را برای عوام وابسته به بعث و آمریکا در منطقه فراهم میآورد. این عوام (جنگ افروز حکومت) به خوبی میدانند که... این سیاست که به نارضایتی مردم و توده ارتشی. دا نمیزند - تصنیف مبارزه ضد امپریالیستی تنها به لیبرالها و سایر دوستان و جاسوسان امپریالیسم خدمت میکند!

شد باید مستقل از حکومت، مستقل از ضد انقلابی که با ضد انقلاب دیگری می- جنگد، آنها را سرکوب کنند و در این راه به توده، بسیج آنها و حفظ استقلال خود اتکاء نمایند. اگر حتی ضد انقلاب در ستیز با حاکم هم با همان نیروهای ضد در ستیز با دشمنان امرابداً ناقصی پیشبرد جنبش انقلابی خلق کرد نیست و در صورتی که بدرستی و پیگیرانه دنبال شود (مثل خلق سلاح سپاه رزگاری از طرف کومه له، که در همان زمان فریاد "س.ج." بلند شد که چرا به سپاه رزگاری در زمانی که مورد حمله دشمن واقع شده ایم حمل - میشود و یا انتقاد "س.ج." به حمله، کمونیستها و کومه له به قیاده موقت که "س.ج." آنرا غلط ارزیابی کرده بود!) به توسعه جنبش انقلابی و تأمین استقلال و رشد نیروهای کمونیست در این ارتباط منجر میشود. ولی اگر چنین تهدیدی را تبدیل به نیرویی برای همکاری و اتحاد و تغییر موضع در برابر حکومت بکنند (که "س.ج." کرده است) آنگاه دیگر براحتی میتوان گفت که چنین خط مشی از انقلاب بدور است. (۲)

آنها "سازش خروشچافی" سازش اپورتونیستی را جایگزین جنبش مقاومت خلق کرد و "انطفاعلینینی" کرده اند زیرا از ابتدا حرکتشان را بر ضد اصول لنینی و واقعیت عینی تنظیم کرده اند.

"س.ج." عمل خود را گردن نهادن به جمهوری اسلامی، قبول ترک مبارزه طبقاتی، رسداده ترین اصول مارکسیسم، بگردن علل ایگزینیومیا ندازد و از ایمان انقلابی و آمادگی توده ها برای مبارزه آتی و قطعی سرعت میکاهد اینست همه مطلب! اختلاف کوچکی است! اختلاف میان مارکسیسم و رویز - یونیسم!

سرما به داری وابسته به امپریالیسم و قطع کامل دست های امپریالیست ها از ایران بشیوه انقلابی منصرف میکند: همه با هم... اینست شعار اپورتونیستی "س.ج." که برادر بزرگترش مدتهاست تکرار میکند. آنها بطور اعم با حکومت ضد انقلابی سازش میکنند و حتی ماهیت حکومت را نیز مثل همه اپورتونیستها غیر

اینست تقاضای دوازش آنها سازش را تا کنون گذاشتن انقلاب به پیش میبرند! آنها استراتژی انقلاب را الگومال تاکتیک مصالحه میکنند و منافع کارگران و زحمتکشان ایران را در پای حکومت قربانی مینمایند. لنین میگوید: "افراد ساده لوح بکلی بی تجربه گمان میکنند همبند کار نیست که مصالحه بطور اعم مآذون شمرده شود تا هرگونه حدفاصلی بین اپورتونیسیم، که ما بطور آشتی ناپذیری علیه آن مبارزه میکنیم و باید

■ - اشاره به شمار سرگوتگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند. کار، شماره ۶۳، ص ۱۳

قطع کامل دستهای خونین امپریالیست - فقط بوسیله کارگران و زحمتکشان امکان پذیر است!

جنگ و صلح در ...

طبقاتی و خارج از مبارزه طبقاتی توضیح میدهند. کار تمام است! "ملحی" که "س.ج." جستجو میکند استراتژی را نفی کرده است. این ملح از موضع اپورتونیستی ارائه شده و مبتنی بر موازنه بیکران با هیأت حاکمه ضد انقلابی است، نه بر انقلاب! باید با ویریم سخن درخشان انگلیس را که لنین در "بیماری کودکی..." نقل کرده است: "چنین قضاوت مینماید؟" وقتی فلان مصالح برای بلشویکها ما ذون با شدیس چرا برای ما هر گونه مصالحی ما ذون نباشد؟ ولسی پرولترها که در جریان اعتصاب عظیم تربیت یافته اند (ما فقط این مظهر مبارزه طبقاتی را در نظر میگیریم) معمولاً این حقیقت بسیار عمیق (.....) را که انگلیس بیان داشته است ملکه خود میسازند هر پرولتری در اعتصاب شرکت ورزیده و ناظر "مصالحه های" استعمار و استثمارگران منور خود بوده است که در آن کارگران مجبور میشدند بدون اخذ نتیجه ویا در مقابل اجابت جزیی از خواستهای خود دوباره بکار بریزد. هر پرولتری، در نتیجه آن شرایط مبارزه، توده ای و آن حدت فوق العاده تناقضات طبقاتی، که در آن بتر میرسد، مشاهده میکند که بین مصالحی که شرایط ابژکتیف آنرا ایجاد میکند (.....) و بیچوچه از ایمان انقلابی و آمادگی کارگران نیکه بدان تن در میدهند برای مبارزه ای که میگوید از یک طرف و مصالحی که توسط غاشبین بعمل می آید که گناه استفاده جوی خود (.....)، چپ خود، تمایل خود را به خوش خدمتی در برابر سرمایه داران وین سستی خود را در برابر ارباب و گاه اقتناع و گاه مدقه و گاه خوش آمدگویی سرمایه داران بگیرد. دن علل ابژکتیف میاندازند، بین ایندو مصالحه فرق وجود دارد....

منتخبات ۵۲

آری بین ایندو فرق وجود دارد: موازنه "س.ج." از نسوع دوم است. او اینرا هر کسی که لحظه ای به تاکتیکهای "س.ج." و جنبش انقلابی بنگرد میفهمد! نتیجه: "س.ج." بطور کلی

بجای ارائه راه حلی که شیوه انقلاب بی را در کردستان پیش بگیرد و آنرا ایضاً بطور انقلابی به سایر خلقهای ایران منتقل نماید، به شیوه اپورتونیستی هژمونیک در غلطیده که میتواند (وحتماً) عواقب خطرناکی برای جنبش انقلابی داشته باشد. و عواقبی که تا عملی شدن سلیت اپورتونیستی در قبال کمونیستها، و در کنار حکومت میتواند پیش رود! "س.ج." عمل خود را کردن نهادن به جمهوری اسلامی، قبول ترک مبارزه طبقاتی، رد ساده ترین اصول مارکسیسم، برگردن علل ابژکتیف میاندازد و آمادگی برای انقلابی و آمادگی توده ها برای مبارزه ای و قطعی سرعت میکاهد اینست همه مطلب! اختلاف کوچکی است: اختلاف میان مارکسیسم و روبریونیم!

ما تاکید میکنیم که هرگونه سازش که بر اساس فریبخوده ها، آشتی دادن آنها با ضد انقلاب، و کنار گذاشتن مبارزه اتیروقطعی باشد تنها و تنها اپورتونیسم است و سبب آنچه که امروز برای جنبش انقلابی کردستان پیش از هر چیز اهمیت دارد حفظ موضع اصولی خود و تدوام جنبش مقاومت خلقی است. اگر شرایط کنونی سازشهای را بجای نماند، نباید این سازشها به قیمت ترک جنبش انقلابی و... باشد و تنها باید مبتنی بر ادامه جنبش و استراتژی انقلابی باشد. سیستم سرمایه داری وابسته و آزادی حقیقی خلقها و قطع کامل نفوذ امپریالیسم در ایران باشد. عقب نشینی باید برای حمله صورت گیرد نه برای قرائت گونه که "س.ج." در پی آنست: فرار از جنبش انقلابی بعدی که سرانجام جتنی شهادت دهن از آغازی غیور را اینگونه توصیف میکنند:

"ما اقدام، این رفتار را به عنوان اقدامی تحریک آمیز و جنگ طلبانه محکوم میکنیم و اعتقاد داریم چنین ایمانی جز تشدید هر چه بیشتر درگیریها و ایجاد محسوس (میان خلق کردو هیأت حاکمه) نتیجه ای نخواهد داشت." کار ۶۳، داخل پراشترا ماست

کوبی کردستان تاکنون منطقه صلح دوستی، عشق میان خلق کردو هیأت حاکمه بوده است و شهادت دور فیک فدایی بدست جلادان رژیم در آن ایجاد حکومت خواهد کرد. زیرا همین هفته قبل "س.ج." ایگروگان خود را آزاد کرده است! "پایان"

۱- جنگ برادر کشی در واقع امکان ناپذیر نیست. این جنگها

در میان بخش های مختلف طبقاتی خلق در انقلاب که گاه به وجود می آید و یا این معنی جنگ برادر کشی همان جنگ درون خلق است. که این نیز جنبه طبقاتی دارد. و علی الخصوص در مورد موضوع بحث ما این حکم ابدی صحت نیست که جنگ "درون خلق" و نتیجه آن "برادر کشانه" است. ۲- مادرشماره های آینده در بک ره کردستان و مسئله نیروهای انقلاب بی و ضد انقلابی در منطقه خواهیم نوشت *

بقیه از صفحه ۲۰

سرمقاله ...

حضور فعال خود را در جنبش توده ای نشان نداده ایم، و نتوانسته ایم این توده های گریزنده از حکومت و بیزار از هیأت حاکمه را جذب نمائیم. از آنجائی که میشود که وظیفه پیشبرد مبارزات انقلابی توده ها و بسیج آنها به عهده ماست. اکنون واضح شده است اپورتونیستها و سازشکاران با کنار کشیدن از جنبش انقلابی، و طرفداران سرمایه داری و امپریالیسم، و فریبکاری به این جنبش وارد میکنند اپورتونیستها حکومت را در چگونگی فروتنان جنبش انقلابی راهنمایی میکنند و سازشکاران دمکرات با سکوت و بر غرور "قانونی" با حکومت "قانون" توده ها و مبارزه انقلابی را بیزیر میزنند و در این شرایط البته وظیفه ما مدچندان میگردد. بنائیل مبارزات انقلابی بدان حدی است (و یا بدان حد خواهر سید) که اپورتونیسم و سازشکاری را از میدان

بهدر خواهد کرد. توده ها نخواهند گذاشت با دگی سابق فریبشان دهند. اما این وظیفه ماست که چنین جنبشی را با ماندهای کنیم و آگاهی ملزوم آنرا به میان توده ها ببریم. اینها نه است هر آینه گمان کنیم جنبش خود بخودی کنونی "خود بخود" تکامل میابد و خود بخود به شکل مناسب در می آید. و اینها نه ترست اگر گمان کنیم جنبش انقلابی با اجازه ما رشد میکند. اکنون شرایط برای تربیت انقلابی توده ها و اشاعه افکار و آلترونا تبوا انقلابی فراهم شده است. شرایط برای پذیرش تبلیغ وسیع کمونیستها و پرده برداری از ماهیت حکومت در میان اقشار وسیع مردم فراهم گردیده، و از این پس این ماهیت که مشغول توسعه و تکامل صحت جنبش خواهیم بود. آنچه را تاکنون نتوانستیم انجام دهیم، باید انجام دهیم. و بسیاری عوامل برای انجام سریعتر، دقیقتر و فعالانه تر این وظایف آماده است. جنبش انقلابی اوج و تشبیه خواهد داشت اما معمولاً به پیش میرود، و آشتین ها را بالا بزنند *

★ رفقا! هواداران! هم میهنان مبارز!

کمک های مالی شما نقش مهمی در ادامه کاری و گسترش فعالیت ما و اهداف انقلابی ما زمان ما دارد. این کمکها را بعنوان یک وظیفه انقلابی تلقی کنید. برای اطمینان شما از دریافت کمک های مالی ما به سازمان از این به بعد یک عدد بعنوان کد انتخاب کرده و به همراه نام اول حرف خود به دریافت کننده کمک مالی دهید ما این شماره را به مبسکی که پرداخته اید اضافه و نشریه درج میکنیم.

مثلاً اگر مبلغ پرداختی شما ۷۰۰۰ ریال و کد انتخابی ۹۵ حرف اول نام شما "ج" باشد در ستون کمک های مالی دریافت شده "ج ۷۰۹۵" را ملاحظه خواهید نمود.

خلق و ضد خلق...

این کم مایگی وضع ادبیات م. ل. ایران است که اجازه داده است به چنین قالب بندیها و فرمول بندیهایی متوسل بشود که بدرآ موزش تست و آزمونهای میخورد، تا اینکه بکار م. ل. آید. زیرا که م. ل. پیش از آنکه مفاهیم و مطالب را در قالب ها و الگوها بریزد، از جوا ناسب مختلف آنها را بررسی و کاوش کرده، سپس به فرمول بندی میپردازد. توسل به قالب بندی پیش از دستیابی به احاطه همه جانبه و کاوش در عمق پدیده ها سطحی نگری و بی توجهی به عمق و جوانب مختلف هر پدیده را میرساند. بجای آنکه مجهز به دانش عمیق و جامع الاطراف نسبت به پدیده ها گردد، سعی در این دارد که با چند قالب و تست شناسایی خود را در مورد اورتکمیل و خلاص نماید.

وانگهی جفت واره های آنجانی و مجهز کردن آنها به تعاریف و توجیهات من درآوردنی که دست و پای کاوشگر را در برخورد به موضوعات اجتماعی میبندد، و به دگما تیسیم میانجامد، در قاموس ادبیات م. ل. نسیجند و هرگز از چنان قالب بندیهای تمام شده و آن جفت واره ها خبری در نوشته های مارکس و انگلس نیست.

اگر در نوشته های مارکس و انگلس نشانی از قالب بندی "خلق و ضد خلق" چشم نمیخورد، در عوض از مفهوم "خلق و حتی" انقلاب خلقی بکرات یاد شده است. حال ببینیم که مارکس "خلق" را به چه معنای بکار برده است. آیا منظور او از "خلق" همان است که "پیکار" را ارائه میدهد؟ یعنی اینکه مارکس خلق را در معنای استراتژیک و کلی مفهومی نیروهای اجتماعی بکار برده، و آنرا از انقلاب و ضد انقلاب به مفهوم صف بندی تاکتیکی و مشخص متخاصمیز کرده است؟ یا اینکه برعکس "خلق" را در رابطه با "انقلاب" درک نموده است؟

لنجن شاگرد که بر ما زکس و انگلس بروشتی و بدقت درک مارکس از مفهوم "خلق" یا "انقلاب خلقی" را تشریح نموده است، چنانکه میخوانیم: "مارکس از "مردم" صحبت میکند، ولی ما میدانیم که او همیشه بر ضد توهمات خرده بورژوازی درباره وحدت "مردم" و درباره فقدان مبارزه طبقاتی در درون مردم بهیرحانه مبارزه میکرد. مارکس با استعمال کلمه مردم اختلاف طبقات را رویوشی نمیکرد، بلکه عناصه مرعینی را که میتوانند انقلاب را به آخیر رسانند متحد میکنند"

ص ۸۶ م. ۲، یکجندی، تاکید از ما است.

نقل قول فوق بخوبی روشن میکند که "خلق" یا "مردم" در م. ل. به چه معناست. و در عین حال توضیح میدهد که عامل تعیین ظرف "خلق" چیست. لنجن از نظر مارکس "خلق" را عامل نیروهای میدانند که "میتوانند انقلاب را به آخیر برسانند". این تعریف اولاً بوضوح نشان میدهد که عامل اصلی تعیین دایره مفهوم "خلق" انقلاب میباشد. یعنی مبارزه در راه سرنگونی قهرآ میز طبقه حاکم، و در نتیجه حفظ بطلان بر روی احکام من درآوردی "پیکار" میکند که خلق را بنا بر "موقعیت عینی در ساخت اقتصادی - اجتماعی" تعریف و تعیین میکند در ثانی درک و تعریف مارکس روح مارکسیسم - لننیزیم را که توجه بی وقفه به مبارزه طبقاتی دارد، در خود زنده دارد. تعریف مزبور به خود بی جوهر اساسی مارکسیسم - لننیزیم را که همان تغییر جهان باشد. و نه تفسیر آن، متجلی میسازد. مارکس "خلق" را بنا بر نقش آن در رابطه با دیگر گونی جامعه موجود توضیح میدهد، نه بنا بر موقعیت و وضعیت آن در همان جامعه. این تعریف هرگز اسیر وجه وحدت مبهم "خلق" نمیشود و از اینسوی قضیه یعنی جنبه، وحدت، کلی و انتزاعی مفهوم خلق آغاز نمیکند. بلکه از سوی روند مشخص و اساسی "انقلاب" و در نتیجه تضادهای درون مفهوم خلق و کلاً تصویر مشخص درون خلق بیست و آنرا، منکرند. در نتیجه همیشه تما یز طبقاتی و ماهیت طبقاتی درون آنرا

بدواً در نظر دارد، و بدین خاطر این نوع درک و تعریف از "خلق" مانع از است که اسیر جنبه صوری و انتزاعی خلق بشویم، و خلق را ظرف ثابتی تلقی نمائیم که برای یک مرحله تا موتام تاریخی نیروهای را بطور ثابت در آن بگنجانیم. و هرگز تغییر پذیری محتوای آنرا در رابطه با تغییرات ناشی از دینا تیک مبارزه طبقاتی، علیرغم ثبات سیستم حاکم، در نظر نگیریم. بنا بر این تعریف فوق هم اساساً به دینا تیک مبارزه طبقاتی توجه دارد، و هم اینکه اسیر وجه وحدت خلق و نادیده گرفتن تضادهای درون آن نمیشود، و تبعاً در مقابل بولبولیسم میایستد.

بدین ترتیب مفهوم "خلق" از نظر م. ل. بنا بر انقلاب و مبارزه طبقاتی که انقلاب مستقیماً از آن حاصل میشود، تعریف میگردد، اما مفهوم خلق و نیز جفت آن "ضد خلق" از نظر پیکار بنا بر "ساخت اقتصادی - اجتماعی" تعریف میشود. م. ل. مبنا را مبارزه طبقاتی و روند انقلاب قرار میدهد، و پیکار را وضع اقتصادی را، بدلالی که پیشتر با ز گفتیم اساس قرار میدهد. خلاصه آنکه تعریف پیکار در مقابل تعریف م. ل. از "خلق" واقع میشود و آنجا که مبنا ی آن مبارزه طبقاتی نبوده، و عمدتاً به موقعیت اقتصادی توجه دارد، جنبه اکوتو -

مستی در معنای در مینتیسیم اقتصادی دارد. لنجن تعریف مزبور از "خلق" را بدین لحاظ در آنجا ارائه داد. تا نشان دهد که بورژوازی لیبرال در صف خلق نمیگنجد. تمام تلاش لنجن در آنجا اینست که ثابت کند خلق شامل کارگران و دهقانان و نسبتاً خرده بورژوازی شهری است و نه بورژوازی لیبرال. و این نظر خود را نیز بنا بر این امر ثابت میکند که بورژوازی لیبرال بمنا - به طبقه بورژوازی در جهت پایان رساندن انقلاب حرکت نمیکند. اما کارگران و دهقانان در این مبارزه بزمیرگام بر میدارند. چنانکه می نویسد:

پیکار برای درآمان نگاهداشتن متحد طبیعی خود و نه متحد طبیعی انقلاب ما - یعنی خرده بورژوازی سنتی - مزبور از دم قیام انقلاب مساله "نابودی فیزیکی" را بمیان میکشد. بدین معنا که اگر فلان گروه را ضد خلق و یا مرتجع بحساب آوریم، ناگزیر از نابودی فیزیکی آن هستیم

"شکی نیست که اجزاء (۱) مهم آن "مردمی" که مارکس در سال ۱۸۴۸ تا آنرا در نقطه مقابل ارتجاع مقاومست کننده و بورژوازی خیانت کننده قرار میداد، پرولتاریا و دهقانان میباشد. شکی نیست که در روسیه ما هم بورژوازی لیبرال و فحرات کارکنان "توسل و دینه به دهقانان خیانت میکنند و خواهند کرد بدین معنا که با رفاههای دروغین کریبان خود را خلاص خواهند نمود، و در مبارزه قطعی میان ملاکان و دهقانان جانب اولیها را خواهند گرفت"

ص ۲۸۷، همانجا

نکته بینا ن ممکن است بگویند که لنجن در اینجا اجزای خلق یا مردم را بر شمرده و جز "یا اجزاء" دیگر آنرا معین ننموده است، البته که این چنین است، و در اینجا لنجن جز "دیگر خلق" را که خرده بورژوازی باشد ذکر نکرده است، و آنرا در جای دیگر ذکر نموده، چنانکه میگوید: "نیروی که قادر است به پیروزی قطعی بر تراریسم" نایل گردد، فقط ممکن است مردم یعنی پرولتاریا و دهقانان باشند، در صورتیکه نیروهای اساسی و بزرگ در نظر گرفته شود. و خرده بورژوازی ده و شهر (که ایضاً از "مردم" هستند) بین این و آن تقسیم گردد. ص ۲۵۷ همانجا

با درمفات دیگر لنجن با محتوای خلق را تشریح نموده است:

مرگ بر امپریالیسم آمریکا و ارتجاع داخلی!

خلق و ضد خلق...

"بورژوازی... همینکه از دمکراتیسم پیگیریم (و هم اکنون در حال رسیدن است!) من حیث المجموع بسوی ضد انقلاب، بسوی حکومت مطلقه روی خواهد آورد و علیه انقلاب و علیه مردم دست به عمل خواهد زد. باقی میماند "مردم" یعنی پرولتاریا و دهقانان." همانجا

بنا بر این لنین هرگز بورژوازی لیبرال را در زمره خلق بحساب نمیآورد و پیوسته آنرا بعنوان نیروی غیانت کننده و نابگیر از صف خلق خارج میآورد، چنانکه مینویسد:

"با بدیهی نیست که بورژوازی لیبرال این اعیان متعلق به آسوپا و دنیای طی گشتگو، سخن پراکنی و داد و بیداد در مورد مجلس موسسان همگانی، عملاً مجلس مشورتی و ضد مردمی را طرح ریزی میکنند؟ میخواهند بجای رهایی بخشدن به مردم از طریق قانونی آنها را از یکسو تحت سلطه تزار (سلطنت طلسمی) و از سوی دیگر، در زیر قدرت بورژوازی بزرگ متشکل (مجلس اعیان) مقید کنند."

جلد ۸، کلیات آتار، ص ۵۱۶

"بورژوازی خواهان طبع با تزار است، و از جنگ خلق بر علیه تزار میهراسد. تزار خواهان طبع با بورژوازی است، اما از جنگ با خلق نمیهراسد." همانجا

میبینیم که در عبارات بالا لنین آشکارا و بدقت "خلق" و "بورژوازی" را بدقیقت بر یکو شم بورژوازی لیبرال را از هم جدا میکند و هرگز بورژوازی لیبرال را در زمره "خلق" بحساب نمیآورد، و حتی در زمانیکه آنرا هنوز به ضد انقلابی بودن منتسب نکرده بود، با آنرا در صف خلق نمیشمرد. حال پیکار ممکن است بگوید که "البته بورژوازی لیبرال رو سیه در مرحله انقلاب دمکراتیک در زمره خلق بحساب نمیآید و منظور ما آنست که بورژوازی لیبرال در زمره ارتجاع، ضد خلق هم ارزیابی نمیشد، یعنی با وجود آنکه نیرویی خلقی بحساب نمیآید، از تجارعی و ضد خلقی هم محسوب نمیشد بلکه نیرویی بینا بینی بوده که نیروهای خلقی و انقلابی در مسیر انقلاب باید آنرا غشی و منفرد سازند."

در اینصورت باید گفت که تاکنون یک امر برای ما روشن شده است و آن اینکه امکان ندارد که نیرویی ضد انقلابی باشد، و در زمره خلق بشمار رود. زیرا که خلق شامل نیروهایی است که انقلاب را با بیان میرسانند. مسئله دیگر اینکه از نظرم، ل چنانکه دیدیم محتوای خلق بنا بر روند انقلاب تعیین میشود، و طبیعی است که محتوای ضد انقلاب "خلق" نیز بنا بر روند انقلاب تعیین میشود، و اینها نیروهای بینا بینی یعنی آنکه نیروهای "فد خلقی" آن نیروهایی اند که در مقابل روند انقلاب ایستاده و به سرکوب با غیانت به آن مشغول اند.

حال برای تدقیق بیشتر قضیه و بر غور در معیشت با نظرات "پیکار" دو مثال آنرا که برای اثبات مدعایمان آورده بررسی کنیم. پیکار دهقانان میان حال را در انقلاب اکثریت پرولتاریا بحساب میآورد، در حالی که لنین مینویسد:

"در اکتبر سال ۱۹۱۷ ما با اتفاق تمام دهقانان من حیث المجموع قدرت حاکمه را بدست آوردیم. ۶۷۷ منتخب آتار، یکجلیدی

"هنگامیکه ما زمام قدرت را بدست می گرفتیم بر تمام دهقانان من حیث المجموع اتکا داشتیم. آن زمان در برابر همه دهقانان یک وظیفه قرار داشت، و آن مبارزه علیه ملاکین بود." ص ۶۷۸ همانجا

بنا بر تعریف مارکس و لنین از "خلق" (اس - ارها و منشویکها پیش از انقلاب فوریه در جبهه انقلاب دمکراتیک بر علیه تزار و رژیم قرار داشتند و از این لحاظ در زمره "خلق" محسوب میشوند، ولی آنگاه که پس از انقلاب به همکاری با بورژوازی پرداختند، و دست در دست بورژوازی بمنظور سرکوب توده ها و جلوگیری از پیشرفت انقلاب دادند از صف خلق به بیرون بر تپا شدند. حال آنکه از نظر "موقعیت عینی در ساختار اقتصادی - اجتماعی" تغییر در وضعیت آنها پیدا نشده بود، و از

این لحاظ یعنی بنا بر تعریف پیکار هنوز در صف خلق جای داشتند. و پرولتاریا مجبور بود که به عنوان "فد انقلاب و نه ضد خلق" مراعات آنها را بکند، و صرفاً به افشاء و انفراد آنها متوسل شود.

یکی از دلایل فرعی پیکار در ردیف کردن آن چفت واره ها اینست که پیکار "ارتجاع" را نیرویی میدانده که انقلاب باید آنرا نابود - آنهم نابودی فیزیکی - کند اما "فد انقلاب" را نیرویی میدانده که انقلاب گاه ممکن است که به غشی کردن و نه نابودی آن دست یازد.

پیکار مینویسد:

"کرایش چپ شبه تر و تسکیتی که در هما هنگی با یک خط راست اکونومیستی عمل میکرد، اولاً بورژوازی لیبرال را که نیرویی ضد انقلابی بود ارتجاعی خوانده، و تا منبیز استخوان مستقیم و غیر مستقیم وابسته به امپریالیسم میشمرد و با ارزیابی ضد خلقی آن، آنرا جزو هیات حاکمه بشمار آورده و ناچاراً از طرح شمارنا بودی فیزیکی آن بود." پیکار، ص ۲۶

جنبش م. ل وقتی بر متن مبارزه طبقاتی و بر اساس منافع پرولتاریا ارزیابی و حرکت نکند، و بخصوص که برپا به الگوها و قالب های وارداتی (۲) بنا شود، نتیجه بی جزاین بدست نمیده که پیکار را بر میآورد و بجای ادبیات م. ل آمده است که نیرویی "ارتجاعی" مرادف نیروی "فد خلقی" است؟ یا اگر ضمیمه م. ل دلیل آن دو مرادف یکدیگرند؟ که پیکار آنرا به م. ل های کم سواد ایران آموزش میدهد. پیکار مینویسد:

"ارتجاع و یا ضد خلق"

و بخصوص که وظیفه م. ل هادرنای بودی فیزیکی ضد خلق را امری بدیهی و تمام شده تلقی میکند. حال آنکه ما در این نیست کمونیست مشاهده میکنیم که صاحبان صنایع کوچک، پیشه وران و دهقانان مرتجع تلقی میشوند، بدون آنکه هیچگونه توصیه ای مبنی بر "نابودی فیزیکی" آنها وجود داشته باشد یا اینکه ضد خلقی و حتی ضد انقلابی ارزیابی شوند. با مثلاً لنین هندرسون ها و مکدونالدها را که غرده بورژوا محسوب میشوند، مرتجع تلقی میکند، و در عین حال پشتیبانی از آنها را در جریان مبارزه توجیه میکند. رک به بیمل ری کودکی چپ.

پیکار برای فرامان نگهداشتن متحد طبیعی خود و نه متحد طبیعی انقلاب ما - یعنی غرده بورژوازی سنتی مرفه ازم تسلیخ انقلاب مسئله "نابودی فیزیکی" را بمان میگذارد. بدین معنا که اگر فلان گروه را ضد خلق و یا مرتجع بحساب آورده ایم، تا گزیر از نابودی فیزیکی آن هستیم. و چون نابودی فیزیکی گروه مزبور دراز عقل هر انقلابی م. ل است در نتیجه نباید آنرا ضد خلقی و مرتجع بحساب آورد. این نوع صفری و کبری چیدنها و نتیجه گیریهای ارسطویی که دست کمی از اسطراب نداردا بدست آورده اند برای چند صاحبی گروهی را بخود مشغول کند، اما در برابر گسترش مبارزه طبقاتی و پیچیدگی های آن بصراحت در هم میخورند، چه رسد به اینکه مواجه با استدلال م. ل و آموزش حقیقی م. ل در موارده مزبور گردد.

پیکار با بنیادیت رماندن اینسوی قضیه، یعنی اینکه وقتسوی نیرویی ضد خلقی یا مرتجع شد، باید آنرا از نظر فیزیکی نابود کرد، خود را به آنسوی قضیه یعنی اینکه غرده بورژوازی در مجموع متحد طبیعی پرولتاریا در انقلاب ماست و اگر در موضع ضد انقلاب قرار گرفت، باید افشاء و منفردش کرد، میاندازد. بنا بر این پیکار را بدگوید که جناح غرده بورژوازی هیات حاکمه را که در موضع ضد انقلاب عمل میکند، باید افشاء نمود و منفرد ساخت، و بدین ترتیب سربلایی برای اینسوی غرده بورژوازی سنتی مرفه تعبیه کند.

بدین خاطر لازم به تذکرات که هر چند پیکار مواضع تند و تیزی در قبال هیات حاکمه اتفا ذکند، ولی مادام که جناح غرده بورژوازی برای هیات حاکمه قائل است و یا "فد خلقی" تلقی کردن آن مخالفت میورزد هر آن بیم راست روی و معاشات در سیاست در موردش وجود دارد. لنین کبیر در جای دیگر نیز به تفسیر مفهوم "خلق" و "انقلاب خلقی" باز هم در رابطه با سخنان مارکس میپردازد.

"اکنون خواه در انگلستان و خواه در آمریکا شرط مقدما تی

خلق و ضد خلق...

هر انقلاب واقعاً خلقی عبارتست از درهم شکستن و انهدام ماشین دولتی حاضر و آماده (همان ماشینی که در سالهای ۱۹۱۲-۱۹۱۷ در این دو کشور بد کمال "اروپایی" یعنی کمال عمومی امپریالیستی خود رسیده است).
 ثانیاً تذکر فوق العاده مهمی با رکن چپکی از اینکست است: انهدام ماشین بوروکراتیک و نظامی دولتی، شرط مقدماتی هر انقلاب خلقی واقعی است. ثانیاً این دقت خاصی است. این مفهوم انقلاب "خلقی" از زبان مارکس عجیب بنظر می رسد و چه بسا ممکن بود بدیلتا نویسیست و منشویکهای روس، این پیروان استرووه که میخواهند مارکسیست خوانده شوند، این گفته مارکس را اشتباه لفظی اعلام نمایند. آنها مارکسیسم را مورد چنان تحریف لیبرال مآبانه بهیمقداری قرار داده اند که برای شان جز تقابل بین انقلاب بورژوازی و انقلاب پرولتاریاری چیز دیگری وجود ندارد. و تازه این تقابل را هم بشیوه بینهایت مرده و بیروحی درک میکنند. اگر بعنوان مثال انقلاب های سده بیستم را در نظر بگیریم، آنگاه البته باید هم انقلاب پرتغال و هم انقلاب ترکیه را انقلاب بورژوازی بدانیم. ولی نه این و نه آن هیچیک انقلاب "خلقی" نیست زیرا توده خلق، اکثریت عظیم آن نه در این و نه در آن انقلاب بطور فعال و مستقل و با خواسته های اقتصادی و سیاسی خود برآدمشهودی نداشته اند. برعکس انقلاب بورژوازی سالهای ۱۹۰۵ - ۱۹۰۷ روس با آنکه دارای آن کامیابی های "درخشانی" که گاهی نصیب انقلاب های پرتغال و ترکیه شده است، نبود. مع الوصف بدون شک انقلاب "خلقی" واقعی "بود". زیرا توده خلق، اکثریت آن یعنی ژرف ترین "قشرهای باثینی" جامعه که پشتشان در زیر فشار رستم و استعمار دوتا شده بود، مستقلاً برآندمیکردند و در تمام جریان انقلاب، مبرو نشان خواسته های خود و تلاشهای خود را که هدفش بنای جامعه نوینی بسبک خود بجای جامعه منهدم شونده بود باقی گذارده اند. در هیچ یک از کشورهای قسمت قاره اروپا در سال ۱۸۷۱ پرولتاریا اکثریت خلق را تشکیل نمیداد. انقلاب "خلقی" یعنی انقلابی که واقعاً اکثریت را به جنبش جلب نماید، فقط وقتی میتواند آن انقلابی باشد که هم پرولتاریا و هم دهقانان را در برگیرد. در آن زمان این دو طبقه بودند که "خلق" را تشکیل میدادند. دو طبقه نامبرده را این موضوع متحد می سازد که هر دوی آنها بطور ماضین بور و - کراتیک و نظامی دولتی در معرض ستم و فشار و استعمار قرار گرفته اند. غور کردن باین ماشین و درهم شکستن آن - این است آنچه که منافع واقعی "خلق" منافع اکثریت آن یعنی کارگران و اکثریت دهقانان را در بر دارد.

ص ۵۳۱، منتخب آثار، یکجلدی

پیدا است که در اینجا نیز لنین بهمان گونه به مفهوم "خلق" مینگرد که در صفحات پیش گفتیم و دیدیم. خلق را شامل نیروهای میداند که در زیر فشار، ستم و استعمار به توسط ماشین بور و کراتیک نظامی دولتی قرار داشته و غور کردن باین ماشین و درهم شکستن آن منافع واقعی خلق بحساب می آید. یعنی آن نیروهایی که "میتوانند انقلاب را به آغوش بیاورند"

حال ببینیم با شوشه تونگ که بیش از مارکس و لنین واژه "خلق" را بکار بسته و حتی منبع تفاه عمده خلق و امپریالیسم میباشد چگونه با مفهوم "خلق" برخورد میکنند، و نوع برخورد آن چه قرابتی با جفت و - اره "خلق و ضد خلق" و "بیکار دارد، ما شود مورد بورژوازی ملی که منافع وی با تکامل جامعه چین و درهم شکستن یوغ امپریالیسم و فئودالیسم نسبتاً تطابق دارد چنین مینویسد:

بورژوازی متوسط، این طبقه نماینده مناسبات تولید سرمایه داری چین در شهر و روستاست. از بورژوازی متوسط بطور عمده بورژوازی ملی فهمیده میشود. موضع گیری بورژوازی متوسط نسبت به انقلاب چین متفاو است. بی شک این طبقات بینا بینی (بورژوازی متوسط) بسز و دی تجزیه خواهند گشت و برخی بسمت چپ متوجه گشته، بسفوف انقلاب میپیوندند و برخی دیگر بسمت راست منحرف گشته بسفوف ضد انقلاب ملحق میشوند. ص ۱۷ منتخب آثار مارکس و لنین (تاکید از ما ست)

حال پیروان جفتواره "خلق و ضد خلق" ممکن است بگویند، بله، بورژوازی ملی در انقلاب چین بینا بینی بود و از این رو در پیروان انقلاب چین نمیتوان ترا ضد خلق بحساب آورد، هر چند که به ضد انقلاب هم تبدیل شود اما، ما شوغود بسفوف خلاف این ادعای پیروان جفتواره را اظهار داشته است:

"بورژوازی ملی این طبقه در انقلاب ۱۹۲۲ - ۱۹۲۷ شرکت کرد ولی بعد از آن تش این انقلاب بسفوف افتاد، و بسفوف اردوی دشمن خلق - به دار و دسته چپانکا چک - پیوست. ص ۲۳۵ همانجا

و با در جای دیگر مینویسد:

"آیا شما جمهوری کارگری - دهقانی که ما قبلاً اعلام کرده بودیم، اشتباه بود؟ خیر اشتباه نبود. از آنجا که بورژوازی و بویژه بورژوازی بزرگ خود را از انقلاب کناره کشیده و با پیوستن به اردوی امپریالیست و نیروهای فئودالی به دشمن خلق ملحق گردیدند. از این رو مرکز انقلاب فقط پرولتاریا، دهقانان و خرده بورژوازی شهری باقی ماندند. ص ۴۱۵ همانجا، تاکید از ما ست. با وجود آنکه ما شویرای بورژوازی ملی در پیروان انقلاب چین خلعت متفاو و بینا بینی قائل است، اما از آنجا که همچون مارکس و لنین مفهوم خلق را در رابطه با انقلاب و نه صرفاً ساخت اقتصاد اجتماعی می بینند با پیوستن نیروی بینا بینی به اردوی دشمن انقلاب و خلق، آنرا نیز دشمن خلق یا "ضد خلق" بحساب می آید. علیرغم آنکه تکامل اقتصادی جامعه بفتح بورژوازی ملی بود. ما شوینیز بر خلاف اکونومیستهای مادل به تصویر کلی و ثابت صف آرای نیروها نمیبندد، و ارزیابی خود را بنابر تغییرات مشخص مبارزه طبقاتی به پیش میبرد. و تغییرات مشخص مبارزه طبقاتی و جایجایی نیروها را قداً محکم چسبیدن به تصویر صف آرای ثابت و کلی نمی نماید.

ما شویرای دیگر به تعریف مشخص "خلق" پرداخته و جالب اینک که بجای قراردادن خلق و ضد خلق در مقابل یکدیگر و تشکیل جفت واره مورد نظر، از خلق و دشمن صحبت میکنند و با جالب اینک که ما شوکه نوشته ها و اندیشه های مبنای چنین الگو برداریهایی قرار گرفته، که تا کنون دیدیم، خود مفهوم خلق و دشمن را در رابطه با مبارزه طبقاتی جامعه تعریف میکنند. چنانکه مینویسد:

"خلق" کیست و "دشمن" کلم است؟ مفهوم خلق در کشورهای مختلف و در مراحل گوناگون تاریخی هر کشور مضفون مختلف دارد. بعنوان نمونه وضع کشور خودمان را در نظر بگیریم: در دوره جنگ مقاومت ضد ژاپنی خلق شامل تمام آن طبقات، قشرا و گروه های اجتماعی میشد، که علیه تجاوز و ژاپن برخاسته بودند. در حالیکه امپریالیستهای ژاپن خاضعین به ملتو عنا صرط رفدا را و این دشمنان خلق محسوب میگشتند. در دوره جنگ از ادیش، امپریالیستهای آمریکا و ممالان - بورژوازی بوروکراتیک، طبقه ما - لکان ارضی، و مترجمین گومیندان که نمایندگان این طبقات بودند دشمنان خلق بشمار میرفتند حال آنکه خلق عبارت بود از کلیه طبقات قشرا و گروه های اجتماعی که علیه این دشمنان مبارزه میکردند. در مرحله کنونی که دوران باختمان سوسیالیسم است خلق شامل تمام آن طبقات، قشرا و گروه های اجتماعی میشود که طرفدار و

خلق و ضد خلق ...



پشتیبان امرساختمان سوسیالیسم هستند، و در آن شرکت میجویند. در حالیکه دشمنان خلق، آن نیروها و گروه‌های اجتماعی هستند که در برابر انقلاب سوسیالیستی میایستادند و برخ میبندند، نسبت به ساختمان سوسیالیسم خصومت میورزند و در آن تخریب میکنند. ص ۲۲۴، جلد ۵، منتخب آثار، مائو. (۳)

بنابراین ادبیات مائو نشان میدهد که مفهوم خلق و دایره آن بوسیله روند انقلاب تعیین میشود و تبعاً آن که همان ضد خلق باشد نیز بنا بر روند انقلاب تعیین میگردد. و نیز اینکه احکام مائو در آن موردی مانند آنکه "مذخلق را باید بطور فیزیکی نابود ساخت" و ضد انقلاب "لزوماً ضد خلق نیست" و ... بمثل اینها الگوها و قالب‌های خشک و هم در خود متناقضانه، هم اینکه با روح زنده و خلاق مائو مغایرت دارند. و در عین حال در می‌یابیم که این قالب چفتواره "خلق و ضد خلق" هم موجب نگرش پوپولیستی میشود، هم اینکه خود از یک بینش الگویی و کلی‌نگری برخاسته است.

"مارکسیسم ما را به یک تحلیل دقیقاً هست و عیناً متغیری از مناسبات طبقات و از خصیصه‌های ویژه هر موقعیت تاریخی ملزم میسازد. ما بلشویکها همواره تلاش داشته‌ایم تا این الزام را که برای ارائه یک بنیاد علمی بخاطر سیاست (مشی) مطلقاً ضروری است، دریابیم. مارکس و انگلس همیشه میگفتند "تئوری ما چیزی نیست بلکه راهنمایی برای عمل است." پراستی یا دوری و تکرار صرف "فرموده‌ها" را مسخره میکردند، که در بهترین حالتش تنها میتواند وظایف عام را اشاره کند، که ضرورتاً در شرایط اقتصادی و سیاسی مشخص هر دوره و ویژه فرایند تاریخی متغیر هستند."

در باره تاکتیکیه، بنین

● پایان

۱- در ترجمه پور همزمان بلفظ کلمه "اجزاء" بصورت "جز" ترجمه شده است.

۲- منشاء مکانی قالب چفت‌واره "خلق و ضد خلق" جنبش مائو خارج از کشور بود، البته از آن میان که تحفه‌های رنگارنگ رویو-نیتی نظیر سازمان انقلابی بیرون داد، به جریانی اشاره میکنیم که سینه‌چاک تئوری انقلاب چین و دست‌آوردها و اندیشه‌های حاصل از آنجا بوده، و در پی آن بود که طبق النعل بالنعل آنها را در ایران پیاده کند. "اتحاد مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر" که مدت‌هاست جایگاه خود را در دنیای رویو-نیتیسم مستحکم کرده، و یکی از

جریانی‌ها است که زمانی با اتفاق "دوک" "گاه‌ها" را تشکر میدادند. در واقع از منابع صدور قالب‌های آنجانی و تفکر پوپولیستی به ایران بوده است. این جریان در جلد ۴ مسائل انقلاب سوسیالیسم میتویسد:

"شناخت خصلت جامعه اساسی شناخت صف بندی جامعه، اساس شناخت نیروهای خلق و ضد خلق و پایه حل مسائل انقلاب است." ص ۸۲ مسائل انقلاب سوسیالیسم، تاکید از مائو.

قالب نیروهای "خلق و ضد خلق" حتی بوسیله مائو نیز یکبار ترفسته، یا اینکه بسیار بندرت استعمال شده است، چه رسد به مارکس و لنین که هرگز به چنین قالب انتزاعی و صوری توسل نجستند. مائو تنها دو نیز برای تعیین صف بندی نیروهای اجتماعی به انقلاب توجه داشت و از اینجا شروع میگردد که مائو یعنی پرولتاریا در فکرا انقلاب بر علیه ... هستیم. چنانکه میتویسد:

"دشمنان ما کیستند؟ دوستان ما کداند؟ این مسئله ایست که برای انقلاب دارای اهمیت درجه اول میباشد ... برای تشخیص دوستان حقیقی از دشمنان واقعی، باید وضعیت اقتصادی طبقات مختلف جامعه چین و برخورد هر یک از آنها را نسبت به انقلاب در خطوط کلی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم." ص ۱۵ منتخب آثار، جلد ۱، مائو

۳- نکته جالب در مقایسه نوشته‌های مائو با نظرات دکما تیسک و الگوپردازی‌ها صاحب جفت‌واره "خلق و ضد خلق" آنست که مائو در تعیین طرف "خلق" آنقدر در دنیای مشخص مبارزات جاری جامعه غرق شده بود، که روند کلی و ثابت مبارزه طبقاتی جامعه و استراتژی انقلاب را که علیرغم تغییرات جزئی و مشخص در طی پروسه انقلاب ثابت است، بغافل میسازد. و این تصویر مشخص و روزمره روند انقلاب میگردد. و ظرف خلق را در این رابطه پیوسته در تغییر میبیند. حال آنکه صاحب جفت‌واره "خلق و ضد خلق" در تعیین حدود مبارزه خلق و نیز ضد خلق صرفاً به صف‌آرایی کلی و ثابت نیروهای اجتماعی توجه داشته، و تغییرات مشخص را در این صف بندی دخالت نمیدادند. اگر مائو آنقدر در دنیای مشخص غرق میشد که روند کلی و ثابت را رها میکرد و به پوزیتیویسم که به تصویر مشخص و ملموس توجه دارد، میدان میداد، و در این رابطه زمانی چنانکایچک را وارد ادوی خلق مینمود و زمانی فتودالها را و سرآخر بورژوازی ملی را در دوران ساختمان سوسیالیسم در زمره خلق بشمار آورد. در مقابل اصحاب تضاد عمده خلق و امپریالیسم پراتیک خود را به یک صف بندی ثابت و تغییرناپذیر محدود ساخته، و در نتیجه زمانی سخت در تلاش یافتن بورژوازی ملی بودند تا آنرا راسته‌بیزور خلقی سازند، و زمان دیگر تغییرات مهم سیاسی جامعه را نادیده گرفته و خرده بورژوازی ضعیف مرفه را با تلاش و تقلای فراوان در صف خلق محبوس مینمودند *

توضیح:

در رابطها توضیح "انتخابات" ناروایی "کفر فکای راه کارگر در باره برگزاری اول ماه مه، به "رزمندگان" داده بودند، تیرتارنا مناسبتی انتخاب شده بود که چنین عناوینی در فضای مبارزه ایدئولوژیک بین تشکلهای تا شریغیر فقیانه دارد. و این بابا "نیت رزمندگان که به وجود یک فضای مناسب و رفیقانه و اصولی

در مبارزه ایدئولوژیک تا ... دارد، مغایرت داشته است. بدینوسیله ضمن پیوزش از رفقای راه کارگر، با ارائه عنوان صحیح آن که "راه کارگر و انتخابات ناروا" میباشد، شد، تیرتقبلی را تصحیح میکنیم. به امید آنکه مبارزه ایدئولوژیک هرگز از مجرای اصولی خود خارج نشود *

بقیه از صفحه ۱۱

اصلاحات ...

در پیش گرفت تدوین لایحه‌ای بود تحت عنوان لایحه "واگذاری واحیاء اراضی" این لایحه همان ایده بورژوازی میکوشید تا با صلاح بخش خصوصی را به کشاورزی تنویق نماید. در این لایحه به کشاورزان واجد شرایط "وعده‌هایی در خصوص اجاره و واگذاری زمین داده شده بود. که در مقابل عمق و گسترش جنبشهای دهقانی یک تلاش ارتجاعی مذبوحانه بیش نبود.

"ادامه دارد"

دهقانی و بویژه در مبارزه علیه خلق کرد در مییافت. هیات حاکمه کوشید تا در حین تعرض با تهیه لواایج مختلف فعالیت خود را جهت خاموش نمودن این مبارزات از موضع با صلاح قدرت موقتی تکمیل نماید سیاست شخصی که حکومت در این رابطه، در قبال جنبشهای دهقانی

بقیه از صفحه ۱۲

اصلاحات...

جنبشهای دهقانی تبدیل نمیشود. در قاطعه فروردین تا مرداد دهها نمونه از جنبشهای دهقانی در روستاهای قزوین، مازنداران، البرستان، فارس، یزد، آذربایجان، استان مرکزی کردستان، ترکمن، محرا، کرمان، ایلام و... در دست است که از سطوح و اشکال مختلف مبارزات دهقانی حکایت میکنند. تشکیل شورا، تظاهرات، شکایت، صدور اعلامیه، تحصن، مسافرت، کوچ، دستجمعی، و مبارزه مسلحانه اشکال مختلف مبارزات دهقانان هستند که بطرز گستردهای در این ایام بکار گرفته میشوند. خواستهای دهقانان در اکثر موارد با زیرس گرفتن اراضی غصب شده، مسافرت، اراضی مالکان بزرگ، و درخواست حمایت اقتصادی (الغنا) بدهیها، تأسیس تعاونیها، کمک در بذر، کود و ماشین آلات، راهسازی و خرید محصولات (برسمیت) شناختن شوراها، اجرای خواستهای دهقانان بر علیه مالکان و... بوده است. تجربیات دهقانان در طول مبارزات در بسیاری از موارد به آنها میآموخت که تنها تمیایست از دولت انتظار پاسخ به خواستهای آنها را نداشته باشند بلکه میبایست خود را با اقدام نموده و با ارگانهای سرکوب حرکت انقلابی خود مبارزه نمایند.

تحمل رشد جنبشهای دهقانی از فروردین ماه (از زمان اجبار به عقب نشینی در مقابل مقاومت مسلحانه خلق ترکمن و کرد) به بعد برای هیأت حاکمه فکاهیهای مستمر آن بنفع مالکین بزرگ لحظه ای قطع نمیشد بسیار دشوار بود. این تحمل "کشنده"، به علاوه تحمل های دیگری که در عرصه های گوناگون به هیأت حاکمه دشواریهای بسیار زیاد داد. کاسه صبر حکومت و بویژه جناح خرده بورژوازی حاکم را لبریز ساخت یورش ارتجاع به کردستان و آزادیهای دمکراتیک، در واقع یورش برای بازپس گرفتن تمام مواضع از دست داده در عرصه عمل بنفع بورژوازی و خرده بورژوازی حاکم بود.

دستگاه اداری و نظامی سرمایه داری وابسته به تهاجمی جدید بر علیه جنبشهای دهقانی و برای اعاده نظم ضد انقلابی در روستاها بکار افتاد. در کنار تبلیغات و عملیات ضد انقلابی بر علیه مبارزات انقلابی خلق کرد، جنبشهای کارگری، فعالیتهای انقلابی و بویژه کمونیستها، تعرض گسترده به جنبشهای دهقانی نیز آغاز گردید. از اوایل مرداد ماه ۱۳۵۶ به بعد حکومت به بازپس گرفتن مواضع از دست داده مشغول میشود. مثلاً در نواحی کهگیلویه و بویراحمد از مالکین و فئودالها رانده شده از روستاها اعاده حیثیت میشود و به پشتیبانی مقامات محلی به موقعیت سابق خود بر میگردد. در روستاهای

اطراف قزوین ۹۰ نفر از روستاییان بجرم تعرض به حریم مالک (حاج احمد مالک ده) زندان میافتند... کمیته باخبر در مناطقی که ملانها وابسته به جناحهای حاکم بر روستاها قرار دارند، چاق سرکوب روستائیان مبارز میگردند. ایادی مسلح اما لکن روستاهای خرقان را مورد تاخت و تاز قرار میدهند و دگاها و ارگانهای دیگر جمهوری اسلامی عملاً به آنها کمک میکنند...

در روستاهای اطراف آمل ایادی مسلح مالکان به روستاها حمله نموده و برای بیرون راندن دهقانان از اراضی مسافرت کرده اند. م میکنند این حملات بصورت تنظیم شده و بی دربی در روستاهای کله کن، هشتل، اوچاک، خرطوم، کلا، سائج، بیشکلا و... تکرار میشود و کمیته ها و پاسداران محل در مقابل تقاضای کمک روستائیان از دخالت خودداری نموده و به اینصورت عملاً از عملیات مسلحانه مالکان حمایت میکنند. در مهریون فارس خوش نشینی که در تیرماه زمینیهای بزرگ مالک منطقه را مسافرت کرده و به کاروری آن مشغول شده بودند پس از توطئه های گوناگون مالکان، در مرداد ماه با تهاجمات مسلحانه آنها روبرو شدند. و اینها تنها نمونه هایی از انعکاس تهاجم ضد انقلاب به مبارزات توده ها و تلاش مذبحان برای برقراری نظم سرمایه داری وابسته برجاست. تهاجم ضد انقلابی هیأت حاکمه

ندارد؟ و اگر در درجه اول به پاد مردم نمیرسد؟ در همین نامه در مورد چاق داران مالک آمده است: "این آقاها چاقا قدرتی در دگاها انقلاب، زارعین را کشت زده و سرکوب کرده اند."

هنگامیکه ایادی مسلح مالکان برای گوشمالی دهقانان و در روستا میشوند مردم نیز از اندامری تقاضای کمک میکنند اما از اندامری پاسخ میدهد: "ما تا آخرین قطره خون از فئودالها حمایت میکنیم."

در روستای "امیرآباد" از همین منطقه روستائیان بعد از سرنگونی رژیم شاه قسمتی از زمینهای مالک بزرگ ده را مسافرت و در آنها به کشت مشغول میشوند. اما بعد از مدتی مالک باز دوبندهایی که با زاندا رمری و دگاها داشت حکمی از دادگاه انقلاب مبنی بر اخراج کشاورز زان از اراضی گرفت. پس از آن با افراد مسلح خود به کشاورزان حمله کرد و ۸ نفر از روستائیان زخمکش

بر علیه جنبشهای توده ای و فعالیتهای انقلابیون، زمینه را برای طرح و تحمیل قوانین ارتجاعی آماده ساخت. ایده های بورژوازی در قبایل مسائل مختلف جامعه و از جمله مسئله ارضی - دهقانی بصورت موافق تونی برای "حل مسئله" طرح گردید.

بورژوازی لیبرال که هنوز عهده دار دستگاههای اداری و نظامی است شرایط را برای به اجرا درآوردن مقاصد طبقاتی خود فراهم میبندد. جان کلام بورژوازی لیبرال در کلام بازرگان قابل تشخیص است:

"در دولتهای گذشته، حتی از زمان احمد شاه قاجار در مسافرت کشاورزی همیشه معکوس عمل کرده اند و هدف این بوده است که بخش خصوصی تضعیف شود و اداری های کشاورزی در بخش دولتی جذب گردد." ۲۸ شهریور اطلاعات سخنرانی در سمینار بررسی مسائل کشاورزی اگرچه تعرض ضد انقلابی حکومت بر علیه مبارزات انقلابی توده های مردم و فعالیت انقلابیون به تحمیل دوره ای از کودتای حرکت تعرضی جنبشهای دهقانی موفق گشت اما به هیچ وجه نتوانست جنبشهای دهقلی را متوقف نماید. حکومت جمهوری اسلامی آینه شکست خود را در عملیات تعرضی بر علیه انقلاب چه در مقابل جنبشهای کارگری،

بقیه در صفحه ۱۰۰

را مجروح کرد و زمینهای گشت شده آنان را شخم زد. شکایتهای بعدی روستائیان به دادگاه انقلاب به جا بی نمیرسد، حتی دادگاه انقلاب چند نفر از کشاورزان را به اتهام آشوب گردستگیر و زندانی میکند.

"استخراج از روزنامه مجاهد شماره ۸۹"

با چنین واقعیتی از مبارزه روستائیان فقیر و زحمتکش با مالکین و حاکمان آنهاست که ایزدی از پشت میز وزارت کشاورزی مودبانه اظهار نظر میکند:

"اگر در یک وقتی در مناطقی (از جمله بیضا، فارس) فئودالها و خوانین مسلح شده اند هیچ علت دیگری نمیتواند داشته باشد مگر اینکه دستگاههای انتظامی ضعیف باشند (یعنی نتوانند خود دیتنها بی مسئولیتهای محوله بنفع مالکان را به اجرا در آورند)"

از کوزه همان برون تراود که در اوست!

■ برای دریافت ریشه های طبقاتی طرز فکر حاکم بر آقایی ایزدی و شرکا، بورژوازی لیبرال به تفادهای درون روستاهای منطقه "بیضا" فارس که ایزدی مالک ۴۰۰ هکتار زمین آنجاست نگاه میکنیم.

در روستای بان از منطقه بیضا فارس حدود ۴۰۰ نفر زندگی میکنند که ۱۵۰ نفر آن خوش نشینند یکی از مالکان بزرگ منطقه که در جریان اوچگیری انقلاب در سال ۵۷ از ترس انتقام به آمریکا فرار کرده بود با تضمینهایی کابینه بورژوازی لیبرالها و لایحه ماده مالک بزرگ کثرت خود یعنی ایزدی بر مسند وزارت کشاورزی به ایران باز میگردد. مبارزات دهقانان و بویژه خوش نشینان این روستا با اشکال مختلف توسعه مییافت در تظاهرات خوش نشینان در مقابل استانداری

فارس اعلام میکنند: "ما خوش نشینان" بان نشین زمین میخواهیم تازان و بچه هایمان را از گرسنگی نجات دهیم. شکایات متعدد روستائیان فقیر بان نشین بر علیه تعدیات مالکین در استاننداری و دادگاههای انقلاب نقش بر آب میشود. یکی از دهقانان میگفت: "هر جا شکایت میکنیم، کسی جواب ما را نمیدهد، زاندا رمری، دگاها و... همه از مالک طرفداری میکنند." درگیری میان دهقانان و ایادی مالکین گاه به مبارزات مسلحانه کشیده میشود. که زاندا رمری بنفع مالکین عمل مینموده است. یکی از روستائیان در نامه ای به استانداری فارس (اردیبهشت ۵۹) مینویسد:

"... در بان نشین فئودالی بنام "غلامحسین بان نشین" که یک مدهکتار زمین و تعداد زیادی گوسفند دارد برای سوء استفاده خودش یک جمعیت ۲ هزار نفری راه خاک و خون کشیده است. آنها این مملکت مشغول

۲ جنبش‌های دهقانی و سیلست هیأت حاکمه (بهار و تابستان ۵۸)

جنبش‌های دهقانی بدین‌سال رشد جنبش انقلابی در شهرها روبه گسترش نهاد پس از سرنگونی رژیم شاه پاسداران جدید نظام سرمایه داری وابسته از بدو حکومت خود را مبارزه رشدیافته توده دهقان بر علیه نظام حاکم بر روستاها مواجه بود. در حالیکه در بسیاری از روستاها ایران اعتراضات، شکایات و تلافی برای تشکیل شوراها و مصادره زمینهای زمینداران بزرگ شکل میگرفت، در دوکانون عمده مبارزات دهقانان ترکمن صحرا و کردستان ایما جنبشهای دهقانی به مقیاس گسترده‌ای رسیده بود.

تشکیل شوراها دهقانی در ترکمن صحرا در اسفند ۵۷ سرعت روبه رشد آنها دومصادره زمینهای زمینداران بزرگ آغاز شده بود. بطوریکه مالکین بزرگ ترکمن صحرا در دادگستری گنبد متحصن شده و از دولت تقاضای سرکوب دهقانان را نمودند. یکی از متحصنین جعفر بای مالک ۱۵۰۰ هکتار زمین در بای سدوشمگیر بود. در تلگراف "تظلم خواهی" مالکین از دولت تقاضا شده بود که بداد "کشاورزان زحمتکش" (!) برسد و نگذار که مشتی اوباش "دستجمعی" به قلمرو املاک مقدس آنها تجاوز کنند. در همین زمان در شهرهای مختلف کردستان اتحادیه‌های دهقانی تشکیل و به پیروان راندن زمینداران بزرگ مشغول بود. اولین ابتکار دهقانان در میوان به اجرا درآمد و سر مشق نواحی مختلف کردستان گشت.

در اسفند ماه طلیمه برخاستن جنبشهای دهقانی در اکثر نقاط ایران در خشتیدن گرفت. در لرستان دهقانان دور روستا زمینهای تصرف شده خود را از شرکت سهامی زراعی شیروان پس گرفتند. روابط سرمایه داری و روابط بوروکراتیک درون این شرکتها عکس العمل بلاواسطه دهقانان را در نقاط دیگر نیز برانگیخت و ما بعداً به تجربه این شرکتها اشاره خواهیم کرد. در گنبد کاووس بیش از ۱۵ هزار نفر از روستائیان و دیگر مردم زحمتکش تظاهرات نموده و خواستار باز پس گرفتن زمینهای غصب شده و تشکیل شوراها و روستایی و میادان شدند. در تیکا پد دهقانان در ۱۲ روستا خواستهای خود را اعلام کردند و در آن خواستار تقسیم زمینهای

اصلاحات ارضی و جمهوری اسلامی

قسمت دوم

مالکان بزرگ در میان خوش نشینان شدند. خواسته‌های دیگر این دهقانان از جمله عبارت بودند از تشکیل بنگاه ماشینهای کشاورزی، کدود و بهزارزان قیمت و شرکت نمایندگان روستاها در مراجع تصمیم گیری. در شهر کرد دهقانان خواستار تقسیم زمینهای انحصاری بین کشاورزان بی زمین، تشکیل شوراها و دهقانی و ایجاد شرکتهای تعاونی و استفاده از ماشین آلات شدند. در راغ مروز و اسلام آباد دهقانان زمینهای شاهپور غلامرضا را بین خود تقسیم کردند اما کمیته محل دهقانان را از زمینها بیرون راند. در روستاهای رودبار و فومن و لاهیجان به تشکیل شوراها اقدام کرده و خواهان بازگرداندن زمینهای غصب شده، تضمین خرید محصولات کشاورزی و لغو بدهیهای دهقانان به بانکها شدند.

کابینه بورژوا لیبرال بازرگان هم چنان که تا پسته آن بود تحفای چون ایزدی، بزرگ مالک فارس را بعنوان وزیر کشاورزی در خود جای داده بود. سیاست بورژوازی لیبرال که در آن هنگام از سوی خرده بورژوازی حاکم پشتیبانی میگشت بسیار روشن بود: حمایت از مالکیت مالکان بر اراضی سرکوب جنبشهای دهقانی، جلب اعتماد بورژوازی برای سرمایه گذاری در روستاها، و بیک کلام اعاده نظم درهم ریخته سرمایه داری وابسته ر روستاها.

در مقابل سیل شکایات مالکان بزرگ از "تعدی ها و تجاوزات" دهقانان از یکسو و با شکایات و تظاهرات و حرکت های انقلابی دهقانان بر علیه مالکین بزرگ از سوی دیگر، موضع حکومت جمهوری اسلامی و بخصوص جناح

بورژوا لیبرال آن تعیین شده بود. هنوز یکماه از قیام بهمن ماه نگذشته بود که هیأت حاکمه بمراحت به حمایت از مالکین بزرگ برخاست: "وزارت کشاورزی و عمران روستا- بی اطلاع داد بر اساس اخبار رسیده بعضی از مالکان به تصور اینکه در مورد مالکیت زمینهای کشاورزی تصمیمات جدیدی گرفته خواهد شد، از بستن قرارداد با صیفی کاران خود- داری میکنند. بدینوسیله به اطلاع عموم مالکان و هم وطنان میرساند که مالکیت از نظر دولت کاملاً محترم است و اگر بعضی از افراد غیر مسئول در سخنانی ها و بیامقالات خود در این مورد نظراتی اعلام داشته اند نظیر شخصی آنها بوده ..."

(پندگان ۱۲۰ اسفند ۵۷)

و در جای دیگر:

"در قانون اصلاحات ارضی به هیچ وجه تجدیدنظر نمی شود" سخنگوی وزارت کشاورزی. (۱۱ تیر) البته هیأت حاکمه به انتشار بیانییه در حمایت از مالکین بزرگ و محکوم کردن دهقانان قناعت ننمود و مستقیم و غیر مستقیم مالکین را بر علیه دهقانان مسلح مینمود. کمیته‌هایی که غالباً از مالکین و عناصر وابسته به آنها تشکیل شده بودند و پاسداران که بتدریج برای پشتیبانی فعالیت کمیته بوجود میامد و از همه مهمتر ارتش و ژاندارمری بطور فعال آشکارا و نهان به تسلیح مالکان مشغول بودند. جنگ اسفند ۵۷ و فروردین ۵۸ در کردستان و ترکمن صحرا بر سر تصرف دهقانان و مالکین بزرگ آغاز گشت. جنگی که البته (بویژه در کردستان) ایما د آن از مسئله ارضی - دهقانی فراتر رفت و خلق ترکمن و کرد را با ارگانهای سرکوبگر جمهوری اسلامی مواجه ساخت.

مقاومت و تعرض شدید خلق ترکمن و کرد هیأت حاکمه را عقب نشاند. اتحادیه‌های دهقانی در کردستان، و شوراها و دهقانی در ترکمن صحرا روبه رشد گذارند و جنبشهای دهقانی در نقاط مختلف بویژه در گیلان، آذربایجان و فارس از حالت شکواییه و تظاهرات خارج شدند. جنبش مصادره اراضی و تسخیر گرفت.

واکنش هیأت حاکمه اگرچه از موضعی ضعیف اما هنوز در برابر موج مصادره (بقول ایزدی "تجاوز- ات") تهدید به سرکوب نظامی و تکفیر شرعی بود. هیأت حاکمه

برای مهار کردن جنبشهای دهقانی به ابتکار عبثی متوسل شد. تشکیل هیأت های پنج نفره محلی برای حل اختلافات و جلوگیری از تصرف عدوانی، برای به اجرا درآوردن تضمینهای حکومت در دفاع از مالکیت از طریق مسالمت آمیز - قانونی!

"وزارت کشاورزی و عمران روستایی طی اطلاعیه ای اعلام کرد: دولت موقت جمهوری اسلامی ایران از مالکیت و حقوق شرعی و قانونی زارعین (که البته لفظ مورد علاقه حکومت برای گذاردن کلاه شرعی بر مالکیت بزرگ است) هم چنین حقوق شرعی و قانونی سایر مالکین واحدهای زراعی و باغات حمایت میکند" ۵۸/۵/۳ اطلاعات

وزیر کشاورزی اعلام کرد: "ما برای جلوگیری از هر نوع تجاوز از طرف هر کس فروردین امسال (۵۸) قانونی از طرف هیأت دولت و شورای انقلاب گذارندیم تا هر کس نه تجاوزی مورد بررسی قرار گیرد. برای اینکار هیأت پنج نفره تشکیل شدند صرفاً مسایل مربوط به تصرف عدوانی را رسیدگی کنند. احکامی صادر شد و ژاندارمری و پاسداران انقلاب اجرای این احکام را بعهده بگیرند." اطلاعات همان تاریخ ایزدی وزیر کشاورزی از جمله طراحان سیاست رژیم و مجری آن در قبال مسائل ارضی - دهقانی بود. او معتقد بود که:

"در ایران اصلاحات ارضی انجام شده و دیگر فواید الیم از بین رفته است. با یزبان دیگر جنبشهای دهقانی چیزی جز تحریکات ضد انقلاب و خود سربهای ناکامان دهقانان نیستند. که البته برای سرکوب آنها مسلح شدن مالکان ضروری است. او می گفت:

"اگر در یک وقتی در مناطقی فسادها و خوانین مسلح شده اند، هیچ عست دیگری نمیتواند داشته باشد مگر اینکه دستگاههای انتظامی ضعیف باشند. و یا به عبارت دیگر هم مسلح شدن آنها حقانیت دارد و هم دستگاههای انتظامی در خدمت آنها هستند (!)".

تلاشهای حکومت در سرکوب جنبشهای دهقانی و حمایت از مالکین در مقابل رشد جنبشهای دهقان تلاشهای عبثی بیش نبودند. مصادره و سرکوبایی این جنبشها از یکسو و ضعف حکومت از سوی دیگر به راه فعل شکوفایی بقیه در صفحه ۱۱

ضمیمه سیاسی خبری 'رزمندگان' ارگان سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر
دوشنبه ۲۳ تیر ۱۳۵۹ تک شماره ۱۵ ریال شماره ۲۰

پیک رزمندگان

دکه داران

شهر به شهر در مقابل سرکوب

کی و کارشان را مورد تهدید قرار داده بود، آغاز شد. در این

● بدنبال تهدیدات رژیم در مورد بستن دکه ها، در تهران مبارزات و مقامات دکه داران در توضیح وضعیت خود برای مردم مقابل این زورگویی که زند - بقیه در صفحه ۳۰

مبارزات

متحدانه

کارگران:

تنه راه جلوگیری از

تعطیل کارخانجات

چندیست که موج اخراج

کارگران و تهدید به بستن کارگاهها و وسعت بیشتری پیدا کرده و سرمایه داران و دولت جمهوری اسلامی به بهانه های مختلف کارگران کارخانه ها و کارگاهها را اخراج کرده و کارگاهها را تعطیل میکنند. * در آبادان کارگران پیمانی شبکه سازی پالایشگاه پس از آنکه برای خواسته های خود اعتصاب کردند با تهدید به اخراج دسته جمعی روبرو شدند.

* کارفرمایان کارگاه گسترش مسکن ساختمانی در

بقیه در صفحه ۵۰

یاسازی

گوشه ای از مردم متحرک کردن مبارزات مردم!

بیکاری روز افزون و چاره ناپذیر، صدها هزار کارگر و زحمتکش را به فروش آورده است گرانی و تورم شدید قیمت ها، عرصه زندگی را بر میلیونها نفر از زنان و مردم و کودکان میهن ما تنگ کرده است. مسکن، همچنان، بعنوان مشکل لاینحل رخ نشان میدهد و صدها هزار نفر از زحمتکشان، تنها در تهران، در آلونکها و گودها زندگی سختی را میگذرانند. در روستاها، زحمتکشان و دهقانان، پنجه در پنجه ما - لکان تحت حمایت جمهوری اسلامی، میفشارند و قسط و عدل اسلامی را که برای آنها سرابی بیش نبوده است. به خاک میسپارند.

در کارخانه ها، شوراهای واقعی مورد هجوم قرار گرفته و هرگونه اعتصاب و عمل در جهت احقاق حقوق کارگران، حرام اعلام شده و سرکوب میگردد چوب تکفیر اینجا و آنجا، هر کجا که نفسی بر حق کشیده شود فرودمی آید. صدها کارگاه تعطیل شده و یا در شرف تعطیل اند. خلق کرد همچنان تحت وحشیانه ترین هجوم های حکومت، به مقاومت دلیرانه خود ادامه میدهد. خلق های

بقیه در صفحه ۲۰

کارگران صنعت نفت

تابستان ۲۵ پیشتاز مبارزه با
امپریالیسم انگلیس و ارتجاع
زمستان ۵۷ پیشتاز مبارزه با
رژیم شاه

هر سال، طبقه کارگر ایران در چنین روزی، بیاد ۴۷ نفر از عزیزترین شهیدانش، و بقمده بزرگداشت روزی که با زوان پولادین کارگران نفت وسینه های نیرومندان به مصاف گلوله - بقیه در صفحه ۱۰۰

در صفحات دیگر می خوانید:

کارگران شهرک غرب کارفرما را مجبور به
عقب نشینی کردند
برچیدن دکه ها راه حل رژیم برای مشکل
بیکاری!

زندانیان سیاسی در معرض اعدام
اخبار کارگری
اخبار کوتاه
اخبار کردستان قهرمان

در جریان بخش
خبرنامه کمونیست
رفیق اسفندیار
فردانی
شهید شد

در یک حمله، وحشیانه به
کمونیست ها و نیروهای انقلاب
بی در فیروزکوه روز سیزدهم
بقیه در صفحه ۶۰

پاکسازی...

ترکمن، عرب و بلوچ در زیر شدیدترین فشارهای رژیم جمهوری اسلامی بسربرده و به مبارزات خویش ادامه میدهند. اینست وضعیت کارگران و زحمتکشان و خلقهای مبارز ما، پس از ۱۸ ماه که از قیام بهمن ماه میگذرد. رژیم که در مقابل همه مسائل خلق، ناتوان و عاجز است، چاره‌ای جز سرکوب و فریب و خدعه ندارد و در این راه، هر روز به ما نور جدیدی دست زده و قصد دارد افکار عمومی را بیشتر منحرف کرده و مدتی دیگر به حیات خویش ادامه دهد.

هیات حاکمه جمهوری اسلامی، این بار دست به "پاکسازی جدید زده و ساله‌پاکسازی محیط و انقلاب اداری را پیش کشیده است.

این حقیقتی است که بود. روکرایی فاسد و عریض و طویل سیستم سرمایه‌داری وابسته مردم را به ستوه آورده است. مبارزه خلق ما بر علیه رژیم شاه، برخلاف ادعای سران جمهوری اسلامی، برای زندگی بهتر و در نتیجه برای نابودی آن سیستم و نظامی بوده است که خلق را در بند خویش اسیر میساخته است. حمله به بانکها، بیرون انداختن وزرا ازادرات و تشکیل شوراهای کارکنان آنها قدمهایی بود که هدف اصلی حمله نیروهای خلق را نشان میدهد. خلق ما در طول مبارزه اش نشان داد که میخواهد نظام اقتصادی اجتماعی حاکم را براندازد و سیستم بوروکراتیک حاکم بر آن از بین ببرد کارهایش را از پیچ و خم ادارات درآورده و بدست توانای خویش بگیرد.

اما بوروکراسی، بمعنی سیستم اداره امور کشور از بالا،

و توسط برگزیدگان حکومت، برای حفظ حکومتی که بر پایه سرمایه، و غارت و استثمار خلق استوار است، لازم و ضروری بوده و خواهد بود زیرا تنها شیوه دیگری که در مقابل این بوروکراسی باقی میماند شیوه اداره کشور توسط شوراهاست. که بر اساس منافع خلق و منافع طبقه کارگر استوار است، اما با این نظام سرمایه‌داری در تضاد قرار دارد. نظام سرمایه‌داری وابسته میخواهد، هر چه بیشتر و بیشتر خلق را به بند کشیده و در نتیجه منافع سرمایه‌داران و امپریالیسم را برآورده کند. در چنین نظامی جایی برای اعمال اراده خلق باقی نمیماند و تا وقتی این نظام باقیست اداره کشور، جز از طریق بوروکراسی و کاغذ بازی غیر ممکن است.

● خلق ما در طول مبارزه اش نشان داد که میخواهد نظام اقتصادی - اجتماعی حاکم را براندازد و سیستم بوروکراتیک حاکم بر آن را از بین ببرد، کارهایش را از پیچ و خم ادارات درآورده و بدست توانای خویش بگیرد.

رژیم جمهوری اسلامی، از همان لحظه که قدرت رسیدن، به جان شوراها یعنی ارگانهایی که از دل مبارزات خلق بیرون آمده بودند افتاد و با این ترتیب در لحظه فروپاشی قدرت رژیم شاه، با شدت و پافشاری زیاد، از فروپاشی سیستم اقتصادی اجتماعی ایران و جایگزین کردن سیستمی بر اساس منافع خلق جلوگیری کرد.

اما چگونه میتوان با بوروکراسی مبارزه کرد. و در همان حال شوراها و واقعی را مورد حمله و هجوم قرار داد چگونه میتوان با بوروکراسی مبارزه کرد و در عین حال، سرمایه انحصاری را به حال خود گذاشت؟ چگونه میتوان با بوروکراسی مبارزه کرد و در عین حال، نظام

سرمایه‌داری وابسته را حفظ کرد؟ چگونه میتوان با بوروکراسی مبارزه کرد اما "اصل ولایت فقیه" را مورد تأیید قرار داد؟ و چگونه میتوان با بوروکراسی مبارزه کرد و به "خبره" و "مجلس خبرگان" معتقد بود.

اینک که ناراضی عمو می اوج میگیرد، رژیم به انقلابی نمایی دست زده است سخنرانی‌های اخیر آیت الله خمینی و حمله به بوروکراسی دولتی به همین منظورهاست. او در این مرحله میخواهد با توجه ظاهری به خواسته‌های توده‌ها، جهت اصلی مبارزات توده‌ها را منحرف کند و به مسائل نظیر حجاب زنان، پاکسازی ادارات از علائق شاهنشاهی و تغییراتی جزئی در سطح بعضی از مدیران ادارات دست زده است. این

خواست درست همان چیزی بوده است که در ۱۸ ماه گذشته رژیم نه تنها در مقابلش مقاومت کرده است بلکه نیروهای انقلابی را به همین مناسبت مورد حمله و سرکوب قرار داده است.

ماها بود که کمونیست‌ها فریاد میزدند، رژیم حاکم، جلوی پیشرفت انقلاب را گرفته و سعی در متوقف ساختن آن دارد. و در مقابل رژیم جمهوری اسلامی، به خاطر همین افشام گری‌ها، کمونیست‌ها را ضد انقلابی مینامید و در حال حاضر نابودی "علائق غوث" و ظواهر خلی سطحی نظام شاهنشاهی را عملی انقلابی و با بقول "آیت الله منتظری" انقلاب در انقلاب ارزیابی میکنند.

چگونه میتوانی بودند که از همان

روزهای قبل و بعد از قیام، به مردم تاکید میکردند که ایجاد شوراها و واقعی، قدرت‌دانی به آنها و ایجاد حکومتی بر اساس حاکمیت خلق برهمنی طبقه کارگر تنها راه نابودی نظام سرمایه‌داری وابسته و بوروکراسی ناشی از آن می‌باشد؟

اینها کسانی جز کمو نیستند و سایر نیروهای انقلابی، نبودند و در مقابل، چه کسانی با اغافه کردن یک لفظ اسلامی، ارتش شاهنشاهی ضد خلقی، همه ادارات و وزارتخانه‌ها را با همان سیستم بوروکراتیک ولی با اسم اسلام حفظ کردند؟

ارتش و بوروکراسی، به عنوان دورکن مهم حافظ سیستم سرمایه‌داری وابسته چیزهایی بودند که در اساس خویش دست نخورده باقی ماندند و رژیم سعی کرد در آن ناحیه‌هایی که این ارگان صدمات جزئی دیده است به ترمیم آنها نیز بپردازد.

چه کسانی حافظ و نگاهدارنده اصلی این نظام بودند؟ چه کسانی از همان روز اول قیام و حتی قبل از آن، سران سازگاری و دشمنی با شوراها را در همه سطوح کشور گذاشتند؟ و چه کسانی خواست کارگران، کارمندان، روستاییان، سربازان و... را برای حفظ و وسعت دادن به شوراها سرکوب کرده و آنان را ضد انقلابی خواندند و با تمام قوا به اخراج و دستگیری رهبران شوراها پرداختند؟ چه کسانی در مقابل شوراها و کارخانه‌ها اینهمه سنگ انداختند؟ چه کسانی ساواکیها را اغود داده و به بازسازی ساواک فراخواندند؟ چه کسانی مدیران شاهنشاهی را در پست‌های خود ابقاء کرده و مانع افشای نام ساواکیها شدند و در مقابل،

بقیه از صفحه ۹

مرکز بمب گذاری و فروش مواد مخدر است و منفجر شدن بمبی قوی در روز قبل در همان محل را که از مراکز شلوغ و پر جمعیت احوال است بهانه کرده بودند. جریان از این قرار بود که روز قبل در این منطقه بمبی بود سیله عمال بعث عراق و رژیم سابق و پایداری امپریالیسم منفجر شد که حدود هفتن از مردم بیگناه را کشته و بیش از ۵۰ تن را زخمی کرده بود. این عمل خشم و نفرت عمیقی در مردم ایجاد کرده بود و تمامی مردم احوال خواهان یافتن عوامل این بمب گذاریها و شناسایی آنها بودند اما رژیم ضد انقلاب بی جمهوری اسلامی که کاری جز زورگویی، فربکاری و فشار و ستم بر توده ها برای حفظ هر چه بیشتر خود در قدرت ندارد از این حادثه سوء استفاده کرده و فحش های آزرده دهکده های بیگانه را در حمله و رشده در طول حمله پاداران به دهکده ها دکانداران که دهکده داران را ما نه کسب و کار خود میداد استند به کمک پاداران میشتافتند و با استفاده از احساسات مردم که از کشته شدن همسر یا نشان خشمگین شده بودند تمام دهکده ها را در هم میشکستند..... این عمل ضد انقلابی رژیم خشم و نفرت شدید دهکده داران زحمتکش را برانگیخته بود یکی از آنها با خشم فریاد میزد:

آخراین چه وضعی است انقلاب کردیم، بیگار شدیم بدبخت شدیم طاقم طاق شد، حرف دلم را میزنم هر کار میخواهید بیا کنید بکنید بیا شد مرا بکشید و پاداران نظام سرمایه داری وابسته با مشت و لگد به جان من افتادند و مرا نیمه جان با خود بردند.

هزاران نفر از زحمتکشان جامعه که تحت فشار نظام مپوسیده و ظالمانه سرمایه داری وابسته بیگار شده اند و به دستفروشی و دهکداری روی آورده اند این چنین مورد یورش و هجوم وحشیانه عوامل رژیم جمهوری اسلامی قرار میگیرند. اینست ما هیئت عملکرد ضد انقلابی رژیم جمهوری اسلامی در مقابل زحمتکشان.

روز چهارشنبه ۴ تیر، در همان روزهایی که دهکده های دهکده داران احوال را بهانه بمب گذاری در هم میشکستند، پاداران به دربارک ولی عصر کرامت شاه آمله و به دهکده داران میگویند "دهکده ها یان را جمع کنید" اما با مقاومت بیگانه رفته آنها روبرو میشوند. دهکده داران شجاعانه با تیر و تیغ و چوب در کنار خود ایستاده و خطاب به پاداران میگویند هر کس جرات دارد پایش را جلو بگذارد، پاداران جرات درگیری پیدا نکرده و فراری میشوند.

و کارگران و زحمتکشان و پیش بلاقا رد و اوراق افشاکری در شهر جلوه حملات رژیم را به دهکده ها نشان گرفته اند.

روز چهارشنبه ۸ تیر دهکده داران در میدان ولی عصر جمع شده و با شعارهای "مرگ بر سرمایه دار"، "ما کار نمیخواهیم به طرف نخست وزیری راه افتادند و با دادن قطع نامه ای خواستهای خود را مبنی بر ایجاد کارگران داشتند.

فردای آن روز، روز مبارزه رودر روی دهکده داران با پاداران جمهوری اسلامی و شهادت دوتن از دهکده داران و زخمی شدن تعداد بسیاری از انسان بود. رژیم جمهوری اسلامی با تیراندازی و به شهادت رساندن این زحمتکشان با ردیگرما - هیئت ضد انقلابی خود را در مقابل توده هایی که برای ادامه زندگی شان به مقاومت دست زده بودند، نشان داد.

اینک دهکده داران در کنار سایر زحمتکشان و خلق دلاور کرد که مورد تهاجم و سرکوب رژیم قرار گرفته اند، در جریان مبارزه طبقاتی شان ما هیئت رژیم را شناخته و بیف مبارزه هم روز - مان و هم سنگران شان دشمنان نظام سرمایه داری وابسته - پیوسته اند.

رژیم جمهوری اسلامی از هیچ کوششی برای تحت فشار قرار دادن کارگران و زحمتکشان فروگذار نمیکند و در این راه هیچ فرصتی را از دست نمیدهد رژیم که در تمامی ۱۵ ماه حکومتش حتی قدمی کوچک نیز نتواند انست در جهت حل مشکلات مردم از جمله مهمترین آنها یعنی گرانی، بیکاری و مسکن بردارد. اینک با زهمنه تنه ها برای حل این مشکل کساری نمیکند، بلکه کارهایی را هم که مردم از فرط بیکاری، بی چینی و فقر و فشارهای زندگی بدان دست میزنند به بن بست میکشاند. روزی نیست که هزاران تن از بیگاران که به دهکداری روی آورده اند و با فروش خسرده ریز و روزنا مه و وسایل منزل و گذرا زندگی میکنند، با تهدید یا فشار و زورگویی و یورش پاداران و ما موران شهر بانی به بهانه های مختلف مثل لطمه زدن به زیبایی شهر و روبرو میشوند. دولت از هر بهانه ای برای درهم ریختن بساط آنها استفاده میکند.

روزی پنجشنبه ۴ تیر سروکله پاداران و ماشین های شهر - داری و شهر بانی در خیابان خمینی احوال پیدا میشود و شرع به جمع آوری دهکده ها میکنند بهانه آنها این بود که اینجاست

پاکسازی کوششی...

کردند؟

اما کمونیست ها از همان روز نخست، بازرگان ها و امیران نظام ها و همه سرمایه داران و پاداران سرمایه را افشاء کردند. مردم ما انقلاب کردند تا نظامی که "ستم پرور" و دشمن خلق بود نابود شود. این رودبزرگ خون، بیهوده جاری نشده بود! شاه رآس هرمی بود که پایه هایش را نظام سرمایه داری وابسته تشکیل میداد و کمونیست ها، این انقلابی ترین نیروها، بحکم وظیفه تاریخی شان، نابودی تمامی این هرم را میخواستند، همچنانکه همه خلق، بدون آنکه بتواند این خواست را بطور آگاهانه و

برای بخش اعلامیه و یا شرکت در تظاهرات دانشجویی جوانان مبارز میهن ما را به جوخه اعدام سپردند؟ و سرانجام چه کسانی انقلاب را پایان یافته تلقی کرده و مردم را به رفتن به خانه ها و سرکار و زندگی شان فراخواندند و مانعی در راه ندادند؟ انقلاب ایجاد کردند؟ پاسخ همه این سئوالات و دهها سئوال نظیر آن روشن است. کل هیات حاکمه!

در حال حاضر، جناح خرده بورژوازی حکومت (حزب جمهوری اسلامی و روحانیت حاکم) بر رهبری آیت الله خمینی، سعی دارند گناه همه یارانشان را، همه اعمال ضد

● چگونه میتوان با بوروکراسی مبارزه کرد و در همان حال شوراها و واقعی را مورد هجوم و حمله قرار داد؟

منظم بر زبان آورند، چنین آرزویی داشت. اما این بار تلاش رژیم تلاشی بیهوده است آب رفته به جوی باز نمیگردد و آگاهی توده ها به سیاست ها و خیا - نتهای رژیم و رودر روی هر چه بیشتر افشا و مختلف مردم، جمهوری اسلامی روز به روز بیشتر آنان را در مقابل هیات حاکمه و فربکاری هاییش قرار داده و آنها را به مبارزه قاطع تر با رژیم جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری وابسته خواهد کشاند. به امید روزی که مبارزات کارگران و زحمتکشان، به رهبری طبقه کارگر قهرمان ایران نظام سرمایه داری وابسته و تمامی مظاهر آن از جمله بوروکراسی را درهم بکوبد!

انقلابی و همه نامردمی ها را به گردن لیبرال ها بیندازند و در این راه، علاوه بر سرکوب مبارزان، متحرف کردن جهت مبارزات مردم به ظواهر و فربخ خلق، به تصفیه حساب های سیاسی پرداخته و موقعیت خویش را در حکومت تقویت میکند. بخصوص که مساله انتخاب نخست وزیر و نو آرایت هم مطرح بوده است.

اما توده های مردم ستموار میکنند. چه کسانی قدرت را از چنگ خلق ربودند و دوستی تقدیم بازرگانها و امیران انتظام ها کردند؟ چه کسانی دفاع از حکومت بازرگان را برای خلق تکلیف شرعی قرار دادند؟ و چه کسانی مفت با دولت بازرگان را مفت با خدا و رسول خدا تلقی

از مقاومت برحق دهکده داران علیه زورگویی

رژیم جمهوری اسلامی حمایت کنیم!

اخبار کارگری



کارگاه "شهرک غرب"
در غرب تهران واقع است و در آن حدود ۶۰ نفر از کارگران مشغول کار هستند. کارگران شهرک از روحیه مبارزه جویانه خوبی برخوردارند. پیشتر کارگران در همان شهرک زندگی میکنند و وضعیت کار و محل مسکونی کارگران سخت و غیر قابل تحمل است. از مدت‌ها قبل کارگران برای تشکیل شورای واقعی، بهبود مسکن، تقلیل ساعات کار، ایجاد درمانگاه و سایر امکانات بهداشتی و چندان خواسته دیگر دست به حرکات اعتراضی چندی زده‌اند. هیئت مدیره دولتی شهرک به کمک پاسداران مستقر در شهرک نه تنها به خواسته‌های کارگران ترتیب اثر ندادند بلکه به دلایل مختلف به آزار و اذیت و تهدید کردن کارگران می‌پرداختند. تا اینکه کاسه صبر کارگران لبریز شده و صبح روز ۱۴ تیر ماه جلودرورودی جمع میشوند. همینکه سروکلها انصاری عضو هیئت مدیره دولتی این دشمن قسم خورده کارگران پیدا شد، آتش کینه و خشم کارگران نسبت به این عنصر مزدور که از مدت‌ها قبل در کارگران انباشته شده بود شعله ور میگردد. در یک لحظه انصاری چون حیوان کثیفی در میان مشت و لگد کارگران دست و پا میزند و کتک مفصلی نوش جان مینماید. بعد کارگران از ضرب و کارگاه بیرون

کارگران شهرک غرب کارفرما را مجبور به عقب نشینی کردند.

میاندازند. با پیوستن کارگران ان پیمانی وحدت و همبستگی کارگران تکمیل میشود. چیزی نمیگذرد که سروکلها پاسداران کمیته این حاکمان کارفرماها پیدا میشود. بعد از مختصر درگیری پاسداران در مقابل سد مقاومت کارگران عقب مینشینند. هیئت مدیره دولتی هم اطلاعیه میدهد و اعلام میکند که کلیه کارگران و کارمندان شرکت اخراج شده‌اند. کارگران به محض دیدن اطلاعیه تمامی آنها را با پاره پاره میکنند و مشت محکمی بر دهان هیئت مدیره میکوبند. مشتیه که بزودی تمامی طبقه کارگر و زحمتکشان میهن مان ببر دهان طبقه سرمایه دار و دولت حامی آن خواهند کوبید. بعد از ظهر هیئت مدیره و پاسداران کمیته مستقر در شهرک وقتی میبینند سبیل کارگران پر زور است و مزدور را از کمیته مرکزی سوراخ کارگران میفرستند. این دو مزدور برای خاموش کردن آتش خشم طبقاتی کارگران میگویند: اطلاعیه هیئت مدیره دولتی دروغ است و اعتبار ندارد، ولی کارگران دیگر آگاه شده بودند و ما هیئت رژیم جمهوری اسلامی و ارگانهای آنرا بخوبی میشناختند بعد از "سنگ روی یخ" شدن این دو مزدور کمیته مرکزی حزب جمهوری اسلامی ضد کارگر و دوفرد دیگر را از خانه کارگر برای فریب دادن کارگران میفرستد. که اینها هم کاری از پیش نمگیرند. کارگران تصمیم میگیرند نه تنها تصفیه حساب نکرده بلکه خوابگاه‌ها را هم تخلیه نکنند. در ضمن از میان خود نگهبانانی برای کنترل و مر

اقبت از شرکت و خوابگاه‌ها می‌گذارند و غروب پاسداران به خوابگاه‌ها یورش می‌آورند تا آنرا تخلیه کنند، اما ضرب و شتم جانانه‌ای از کارگران دریافت میکنند و دشمنان را روی کولشان گذاشته و میگریزند. در روزهای بعد کارگران متحد و مصمم به مبارزه ادامه میدهند و از میان خود شش نماینده انتخاب میکنند تا با کارفرمای دولتی مذاکره کنند در جریان مبارزات کارگران، بدستور هیئت مدیره ضد کارگری نمایندگان کارگران را با زداشت و حکم آخر عمل بیشترمانند کارفرما خشم کارگران را به نهایت میرساند آنها جمع شده و قاطعانه خواهان آزادی همزمانشان میشوند. کارگران دلاور شهرک غرب پیوند ناگسستنی و حمایت بی دریغ خود را از نمایندگان اسیر گشته خود هر چه محکم تر اعلام کرده و برای آزادی آنها تا ظهر مهلت میدهند. اراده پولادین کارگران رعب و وحشت عظیمی در دل کارفرمای دولتی میاندازد آنها چاره‌ای جز عقب نشینی در مقابل بل صفت متحد کارگران ندیدند کارگران با مبارزات خود یکی، یکی خواسته‌هایشان را از حلقوم هیئت مدیره دولتی رژیم جمهوری اسلامی بیرون کشیدند. هیئت مدیره‌ای که تا دیروز میگفت همه کارگران و کارمندان اخراج هستند و کارخانه تعطیل، وقتی دید کارگران قصد اشغال کارگاه، بدست گرفتن کنترل آنرا دارند، حرفش را پس گرفته و موضوع تعطیل کارگاه را زیر سبیلی در کرد. هیئت مدیره‌ای که میگفت

"اگر سرم برود نمیگذارم شورا تشکیل شود، با برگزاری انتخابات شورا موافقت کرد. همچنین هیئت مدیره مجبور شد قول انجام خواسته‌های دیگر کارگران مثل مسکن و بهداشت را نیز بدهد. از همه مهمتر هیئت مدیره مجبور شد نمایندگان کارگران را آزاد نماید. نمایندگان اسیر شده به میان همسنگران و همزنجیران خود آمدند، تا مبارزه طبقاتی را علیه ظلم و استثمار سرمایه داری وابسته ادامه دهند

اینست نتیجه اتحاد و مبارزه یکپارچه کارگران یک کارگاه و کارخانه. اینست گوی شای از قدرت کوبنده و درهم شکننده کارگران. به امید روزی که کل طبقه کارگران ایران متحد و یکپارچه دست در دست و متحد و با سرباز حمتکشان شهروستان نظام پیوسیده سرمایه داری وابسته را درهم بشکنند و تمامی قدرت را در دست گیرند!

کمیته کارگران مبارز کارخانه تارا
اراک منتشر کرده است:

گزارشی از
مبارزات کارگران شرکت آلیاژ
**کارگران
چاره‌ای جز
جنگیدن ندارند!**
کمیته کارگران مبارز کارخانجات اراک و همدان
سازمان رزمندگان آزادی طبقاتی

بقیه از صفحه ۱۰

مبارزات متحدانه...

اصفهان چند هفته پیش کارگران را تهدید کردند که کارگاه را تعطیل خواهند کرد. که با مقام و مت و گروگانگیری نمایندگان شرکت نفت مواجه شدند.

■ کارفرمای شرکت ایران کار در مقابل اعتراض کارگران به اخراج دونفر از کارگران به تمام کارگران اخطار داده و آنها را تهدید به تعطیل شرکت نموده است.

■ بعد از عید بعلت کمادی بازار کارگاههای خیاطی یکی بعد از دیگری بسته شدند.

* ۴۰۰ نفر از ۴۷۰ نفر کارگر کارخانه تصفیه شکر خوزستان که بیش از ۲۰ سال سابقه کار دارند در خطر بیکاری اخراج قرار گرفته اند.

■ ۷۰ نفر از کارگران شهرداری مسجد سلیمان به دلیل نداشتن معافی در معرض اخراج قرار گرفته اند.

* * * موج اخراج و بیکاری کردن کارگران در مقابل هر فریاد اعتراض و به بهانه های گوناگون دامن کارگران را میگیرد و دولت این نیروی حامی طبقه سرمایه دار که تاکنون نتوانی خود را در حل مسائل بیکاری بخوبی نشان داده است با صحنه گذاردن بر تعطیل کارگاهها و حتی تعطیل کارخانه های دولتی روز به روز بیشتر به صف بیکاران میافزاید: وزیر صنایع و معادن به مدیران شرکت صنایع آکام اختیار انحلال میدهد و خود نیز چنین میکند چنانکه معین فروزیر نفت بودجه شرکت بی. ای. ام. محمودآباد وابسته به شرکت نفت را قطع و ۹۵۰ نفر از کارگران را بیکار کرده است و وزیر

کارمهندس نعمت زاده بر تمامی این اعمال ضد کارگری مهر قانونی زده و گفته است که ماده ۲۲ قانون کار شاهی در مورد اخراج کارگران درست بوده و به نفع کارگران هم میباشد! (مصاحبه با صدای جمهوی اسلامی)

موج اخراج کارگران مبارز از ماها قبیل آغاز شده است رژیم جمهوری اسلامی از مدت ها پیش از وحشت آگاهی و تشکل طبقه کارگر دست به اخراجهای وسیع کارگران مبارزان کارخانه نجات زده است صنایع فولاد اهواز، فاسترویلر تهران جنوب شرکت کشت و صنعت کارون و زامیا دو تکنوکار و داروپخش و دهها کارخانه نمونه هایی از این واقعیتند

■ کارگران مبارز و آگاه باید با تشکیل شورا های واقعی و در صورت وجود شورای با فعال کردن هر چه بیشتر آن در این زمینه کارگران را به مبارزه متحدانه و یکپارچه در مقابل این عمل ضد کارگری دولت و کارفرمایان بکشانند!

حکومت با اخراج کارگران مبارز و کمونیست تلاش میکند تا هر چه بیشتر مانع رشد مبارزات طبقه کارگر و تحقق خواسته های صنفی و سیاسی کارگران گردد این عمل در کارخانه جات مختلف با عکس العملهای متفاوت و تروبرو شده است در بعضی کارخانه ها این اقدام ضد کارگری کارفرمایان و دولت با مقاومت یکپارچه کارگران روبرو شده و آنها از اخراج همکاران خود جلوگیری کرده و در مقابل این توطئه کارفرما و دولت مقاومت و مبارزه کرده اند در تعدادی از کارخانه ها انجمن های اسلامی، عوامل کارفرما و مزدوران رژیم با زمینه سازی ها و تبلیغات ضد

کارگری و اتهامات واهی به کمونیست ها و انقلابیون جو کارخانه را از قبیل آماده کرده و با این کار خود کارگران را نسبت به این عمل ضد انقلابی متغیر میکنند و مانع از ایجاد جریان حمایت از مبارزین و کمونیست ها میگردند.

ما در یکی از مقاله های پیک هشدار دادیم که اخراج مبارزین از کارخانه سر آغاز سرکوب و سبتر همه کارگران و کوشش در راه تشنیت کامل اوضاع به نفع سرمایه داران و جلوگیری از کوچکترین مبارزه و حق خواهی کارگران است و از تمامی کارگران خواستیم که در مقابل این توطئه کارفرمایان متحدانه مقاومت کنند چرا که عدم مقاومت یکپار

■ کارگران مبارز و آگاه باید با تشکیل شورا های واقعی و در صورت وجود شورای با فعال کردن هر چه بیشتر آن در این زمینه کارگران را به مبارزه متحدانه و یکپارچه در مقابل این عمل ضد کارگری دولت و کارفرمایان بکشانند!

رچه کارگران باعث پروتزر شدن کارفرمایان میگردد و راه را برای اخراج های بعدی کارفرمایان به بهانه های مختلف باز میکند. چرا کارگاهها یکی پس از دیگری تعطیل میشود؟ مبارزات قهرمانانه خلق ما در سالهای ۵۶ - ۵۷ که به فرا شاه خائن و نابودی نظام شاهنشاهی منجر شد، در پی اعتصابات و تحصنهای کارگری و ادامه بحران اقتصادی لطمات بسیاری به نظام سرمایه داری وابسته وارد آورد و سرمایه داران بسیاری از کارخانه ها فراری شده و به خارج سفر کردند. بحران اقتصادی - سیاسی تمام جا - معه و افرا گرفته بود و چرخ تو -

لنیده سختی حرکت میکرد. وضع بدبحران درجا معده راه حلی انقلابی میخواست راه حلی که نظام سرمایه داری وابسته را درهم بریزد، اما رژیم جمهوری اسلامی بنایه مایشش که حامی نظام سرمایه داری وابسته و سرمایه داران است ابتدا خواست که با همان شیوه گذشته با دعوت سرمایه داران، وام داد نه آنها چرخ تولید را به راه اندازد اما با مقاومت قهرمانانه توده ها و کارگران روبرو شد. و بعد از آن دولت اداره بسیاری از کارخانه ها را خود به عهده گرفت اما این راه حل نیز راه حلی سرمایه دارانه بود و کارگران به هیچ عنوان حاضر نبودند در همان شرایط گذشته با همان قوانین شاهنشاهی زیر بار استقامت سرمایه داران و دولت بروند و مبارزات کارگران ادامه یافت اما به مبارزه کارگران علیه سرمایه داران و کارفرمایان بعد از قیام هر چه بیشتر جلوی تولید کارخانه ها را به شیوه مطلوب رژیم و کارفرمایان میگرفت سرمایه داران و دولت حامی آنها که تنها و تنها بر اساس سود برای بدست آوردن ارزش اضافی هر چه بیشتر از دسترنج کارگران، کارخانه هایشان را با زنگهمیدارند در مقابل این بحران اقتصادی و سیاسی که مانع از سودبری هر چه بیشتر آنان است دست به عمل ضد کارگری بستن کارخانه ها و کارگاهها میزنند. ادامه مبارزات کارگران و زحمتکشان ما علیه سرمایه داری وابسته و مقاومت در مقابل سلطه مجدد و کامل امپریالیسم

بقیه در صفحه ۹۰

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع!

بقیه از صفحه ۱۰

در جریان پخش...

تیرماه پاسداران با شلیک گلوله‌های آمریکایی ابتدا رفیق اسفندیار قربانی را مجروح کرده و پس از دستگیری، او را به مقر سپاه پاسداران برده و جسد نیمه جانش را زیر ضربات مشت و لگد و قتل‌اندازی تفنگ بطرز فجیعی متلاشی کرده و سرانجام با شلیک تیر خلاص بر قلب گرم و پرخروشش، به زندگی سراسرافتخارش او پایان داده و دلکه تنگ دیگری بر چهره کریه رژیم جمهوری اسلامی ترسیم کردند.

ماجرای حمله پاسداران به نیروهای انقلابی، از روز یازدهم تیرماه، همزمان با پخش خبرنامه کومه‌له بوسیله انقلابیون آغاز شد. در این روز پاسداران ضد خلق که از مدتها قبل در مقابل این عمل جنگ و دندان نشان میدادند خواستند رفیقی را که در حال پخش خبرنامه بود دستگیر کنند، ولی به اتفاقا و مت دلیرانه این رفیق و بقیه انقلابیون مواجه شده و مجبور شدند موقتاً دست از اینکار بردارند.

پس از این واقعه، سپاه پاسداران با کمک بازاریان چاقوکش‌ها وعده‌ای از عناصر ناآگاه، تظاهراتی را علیه فعالیت‌های انقلابی در شهر برپا نهادند و در پایان از طریق اقدامات تحریک آمیز، تظاهرها کنندگان را به سمت مقر نیروهای انقلابی راهنمایی کردند. اما مقاومت نیروهای انقلابی، باعث خنثی شدن این توطئه گردید.

آزاد، نیروهای انقلابی پس از دفع حملات وحشیانه، به اقدامات افشاگرانه در میان مردم دست زدند و در پایان تظاهراتی جهت محکوم کردن این عمل پاسداران و نیروهای ارتجاعی برگزار شد. ساعت یک بعد از نیمه

شب همان شب پاسداران به سراغ یکی از انقلابیون رفته و او را دستگیر و در مقر سپاه پاسداران زندانی میکنند. صبح فردا، اقوام و بستگان فرد مزبور، با حمایت و همراهی نیروهای انقلابی شهر، جلوی مقر سپاه پاسداران تحصن میکنند و علیرغم تیراندازی‌های مداومی که از جانب پاسداران برای ایجاد رعب و وحشت در بین متحصنین که عمدتاً زنان بودند، صورت میگیرد، تحصن تا پایان روز ادامه مییابد و در پایان تحصن کنندگان با صدور قطعنامه‌ای دستگیری این انقلابی را محکوم کرده و پس از آن، دست به تظاهراتی برای افشای جنایات هیات حاکمه میزنند.

سرانجام سیزدهم تیرفرامیرسد. پاسداران چهره واقعی خود را آنگونه که در کردستان خوزستان و جاهای دیگر به نمایش گذاشته‌اند، در فیروز کوه نیز نشان میدهند. آنان به شیوه‌ها و اکی‌ها، تجمع نیروهای انقلابی را محاصره کرده، شروع به تیراندازی میکنند. مسلسل‌های آمریکایی به مصاف سینه‌های برهنه می‌آیند و رفیق اسفندیار قربانی، مورد اصابت گلوله‌های آتشین پاسداران سرمایه قرار میگیرد. آنها بعضی آنکه مجروح رابه بیمارستان برسانند، تن مجروحش را به مقر خود برده و در آنجا وحشیانه به جانش میافتنند. و آنگاه پس از جنابتکارانه‌ترین شکنجه‌ها، با یک گلوله آمریکایی، نقطه پایانی بر زندگی کوتاه ولی پرافتخارش میگذارند.

رفیق اسفندیار در حالیکه ۲۲ سال از عمر پربار خود را پشت سر گذارده بود به شهادت میرسد.

پاسداران جنایتکار جسد رفیق اسفندیار را از ترس خشم مردم به تهران منتقل میکنند. این خبر هولناک، به سرعت در میان شهر پخش میشود و تظاهرات مردم خشمگین شهر، پاسداران را وادار به عقب نشینی میکند. موج اعتراض سراسر شهر را فرا میگیرد و پاسداران را مجبور میکند که جسد را دوباره از تهران به فیروز کوه منتقل کنند. آنان همچون جانیان منفوری که از لیب خشم خلق هراسانند، جسد را از بیراهه به گورستان برده و دفن میکنند تا مباد برای تشییع جنازه، رفیق تظاهراتی برپا شود. اما خشم خلق شعله سوزنده‌ای دارد. پاسداران جنایتکار بلافاصله از تهرانبیان و ورامین نیروهای کمکی وارد شهر کرده و بوسیله پاسداران و سربازان تازه وارد، شهر را محاصره نظامی قرار میدهند. آنها اینک همچون خرس آتش گرفته‌ای دست به حملات نومیدانه زده‌اند و بشدت در پی دستگیری نیروهای انقلابی هستند. آنها برای جلوگیری از ورود و خروج نیروهای انقلابی و دستگیری آنها، تمام راههای ورودی شهر را در شمال، سمتان، تهران، جاده‌های راه آهن و حتی جاده‌های کوهستانی زیر نظر گرفته و عابری را با زرسی میکنند.

حکومت نظامی در شهر برقرار شده و پاسداران به منازل انقلابیون حمله کرده و تمام خانه‌ها را تفتیش میکنند.

هم‌اکنون دوتن از انقلابیون بدست پاسداران ضد خلق به اسارت گرفته شده و جان نشان در خطر است.

وظیفه مردم مبارز و آگاه است که با افشای این نامردمی‌ها مانع از اعدام و کشتار انقلابیونی شوند که گناهشان سربردگی به منافع خلق قهرمان ایران است.

بقیه از صفحه ۱۲

دارنده که بپرستند: آیا برای صدها هزار کارگر بیکار که حتی فرش زیر پایشان و وسایل زندگی‌شان را هم فروخته‌اند، کار ایجاد شده است؟ آیا برای هزاران دیپلمه بیکار که بار سنگینی بردوش خانواده‌های فقیر و زحمتکشان شده‌اند، کار ایجاد شده است؟ اگر توانایی ایجاد کار وجود دارد آیا بیکاران بزرگوار که بهر حال در حال حاضر لقمه نانی در میآوردند، مقدم نیستند؟ چه کسی به وعده‌های سرخ‌من حکومتی که برای صدها هزار بیکار رنثوانسته است، کاری ایجاد کند و لی ادعا میکند برای دهکده‌داران کار ایجاد خواهد کرد و گوش فرا خواهد داد؟ حکومت، چه چشم اندازی برای ایجاد تولید و کارترسیم کرده است که دهکده‌داران فریب این وعده‌ها را بخورند؟ یا تعطیل دهها کارگاه و اخراج هزاران کارگر علائمی از آن چشم‌انداز است؟ بی‌کفایتی‌ها و ناتوانی‌های رژیم در حل بحران، که به وضعیت طبقاتی آن بر میگردد، آنقدر بار زور و روشن است که همه چیز حکایت از افزایش بیکاری‌ها دارند که کاش آن! و حمله به دهکده‌داران خود نشانهای برای اثبات این ادعاست!

دهکده‌داران خود را از صفوف بهم فشرده بیکاران جدا نمی‌بینند و شعار میدهند: اول کار برای بیکاران!

گام‌گران و زحمتکشان ایران، مساله دهکده‌داران جدا از مساله بیکاران و جسد از کارگران شاغلی که هم‌اکنون در معرض خطر بیکاری قرار دارند نیست. همه زحمتکشان در صفوف بهم پیوسته باید بدانند که دهکده‌داران حمایت کنند و در همان حال، برای حل مساله بیکاری مبارزه کنند.

اجازه ندهیم به بهانه مبارزه با فساد، که در اصل خود مورد حمایت زحمتکشان است به سرکوب زحمتکشان بپردازد. با تمام قوا از دهکده‌داران و جنبش بیکاران دفاع کنیم. اول کار برای بیکاران!

دادگاه انقلاب اسلامی صلاحیت محاکمهٔ تقی شهرام را ندارد!

رفیق تقی شہرامیہ ۱۳
سال سابقہ مبارزاتی علیہ
رژیم شاہ خائن و امپریالیسم
آمریکا اینک درہمان زندا -
نہای آریامہری ، ولی بدست
رژیم جمہوری اسلامی گرفتار
آمدہ و قرار است درد ادگاہ
انقلاب اسلامی محاکمہ شود .

رژیم جمهوری اسلامی
مدت یکسال تمام رفیق را
در بندهای انفرادی زندان
اوین نگهداشته و تنها یکی دو
بار ملاقات به او داده است
و در طی این یکسال با همان
شیوه های آشنای آریا مهری با
انواع شکنجه های روحی و تحت
فشار قرار دادن ها قصه

داشت رفیق شهرام را و اداریه
موضعگیری علیه سازمانهای
انقلابی و کمونیست کند.

در این مدت عناصر مرز-
دور خود فروخته‌ای نظیر احمد
رضا گریمی و اصغر میرزا جعفر
علا فیهکاران سابق ساواک
و یاران جدید جمهوری اسلامی
را برای بازجویی به سراغ
شهرام فرستاد تا از هم‌ه
شبه‌ها و ابتکاراتی که ساواک
در سال‌ها قبل، در چنین موارد
بکار میبرد استفاده کنند.

رژیم اینک در پی آنست که رفیق شهرام، این مبارز خستگی ناپذیر را که یکسال تمام همچون تما می ساله‌لی

عمرش، در مقابل توطئه‌ها و
دسیسه‌های آنان به مقاومتی
قهرمانانه دست زده است دریک
دادگاه در بسته به محاکمه
بکشاند!

دادگاه‌های انقلاب، کنه
دسته‌دسته ساواکی‌ها و عوامل
رژیم شاه را آزاد کرده‌اند
صلایت محاکمه رفیق شهرام
را ندارند، حتی طبق قوانین
ضد مردمی جمهوری اسلامی نیز
زندانیان سیاسی بایستد در
دادگاه‌های دادگستری، بسا
وکیل و علنی محاکمه شوند اما
اینک رژیم جمهوری اسلامی
چون بسیاری موارد که برای
رسیدن به اهداف جنایتکارانه

نه اش قوانین خودش را نیسز
زیر پا میگذارد، تعداد ردیفی
شهرام را در دادگاههای در بسته
با اصطلاح انقلاب محاکمه و محکوم
کند..

هم‌میهنان مبارز!
با تمام قوا از آزادی
رفیق شهرام پشتیبانی کرده
و با افشای بلاهایی که رژیم
جمهوری اسلامی بر سر شهرام
آورده است، از شعار "عدم
صلاحیت دادگاه‌های انقلاب لاسا"
می‌درمحا کمه شهرام و تمام
زندانیان سیاسی "پشتیبانی
کنیم!"

غلامحسین صالحی و دیگر زندا-
نیا ن سیاسی تلاش کنیم! ■

مبارزه علیه جنایات رژیم
جمهوری اسلامی برای آزاد
ساختن اسدالله خرمی و

زندانیان سیاسی در معرض اعدام

بلافاصله بعد از حمله به دانشگاه‌ها اعلامیه روبرو که در آن از خلق مبارزمیهن‌مان خواسته شده که در جنایات کثیف رژیم جمهوری اسلامی اورایا-ری کنند، در شهرها و از پخش شد اینک ۴ تن از این انقلابیون اعدام شده و به شهادت رسیده-اندر فیک مسعود دانیالی و رفیق احمد مؤذن به قاصه-چند روز بعد از دستگیری به جوخه اعدام سپرده شدند. اعدام این دور رفیق خشم و نفرات مردم را در سراسر ایران و در تمامی خوزستان برا-نگیخت و رژیم جرات نیافت که به جنایات ننگین خود ادامه دهد اینک که دو ماه از آن زمان می‌گذرد، اینک بر مردم سراسر ایران روشن شده است که حوادث دانشگاه‌های ایران و انقلاب فرهنگی رژیم جمهوری اسلامی ایران توطئه ای بوده است که هیات حاکمه با نقضه‌ای حساب شده علیه نیروهای انقلابی و کمونیست دانشجویان مبارزه راه

انداخته است، رژیم با بسی
شرمی تمام به جنایات تنگنیش
ادامه میدهد و این بار سه
انقلابی اسیر رفیق مهدی علوی
شوشتری دانشجوی رشتهء
ریاضی دانشکده جندی شاپور
و منوچهر جعفری انقلابی مبارزو
دکتر نریمی سا را به شهادت
رساند و قیاحانه آنها را به
جرمهایی چون "موضعگیری
علیه جمهوری اسلامی" و "پرتاب
سنگ به طرف مردم (!؟)" متهم
نموده است .
اکنون از لیست سیاه
جنایتکاران جمهوری اسلامی
دو تن با قیام نده اند : اسدالله
خرمی و غلامحسین صالحی .
آنها در کنار دهها زندانی
سیاسی دیگر در زندانهای
رژیم جمهوری اسلامی بسر
میرند و هیچگونه تامینی جانی

هم‌میهنان مبارز!
با افشای جنایات رژیم
رواداد دانشگاه با افشای
عدام‌های فاشیستی
رژیم جمهوری اسلامی وپسا

بسمه تعالی

از برادران و خواهران مسلمان و شیعه که اطلاع یافته راجع به افراد
 زیر که از عوامل اصلی درگیری و فتنه هستند و دارند اطلاعات
 یا شکیات خود را با ذکر نام و نام خانوادگی و آدرس دقیق بنویسند



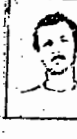
آقای محمد علی محمدی
 آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰۰، واحد ۱۰



آقای علی محمدی
 آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰۰، واحد ۱۰



آقای محمد علی محمدی
 آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰۰، واحد ۱۰



آقای محمد علی محمدی
 آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰۰، واحد ۱۰



آقای محمد علی محمدی
 آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰۰، واحد ۱۰



آقای محمد علی محمدی
 آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰۰، واحد ۱۰



آقای محمد علی محمدی
 آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰۰، واحد ۱۰

این نامه را به آدرس زیر ارسال کنید

آدرس: تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۰۰، واحد ۱۰

زندانی سیاسی آزاد باید گردد!



اخبار کوتاه

■ در شرکت ایرانکا روز ۱۷ خرداد کارگری را که نسبت به دوری راه و نبودن سرویس اعتراض کرده بود، اخراج کردند. کارفرما در مقابل اعتراض بقیه کارگران به اخراج آن کارگر، تمامی کارگران را به اخراج و تعطیل کارگاه تهدید کرد.

■ روز ۲۵ خرداد ۲ نفر از کارگران شرکت ایران کار به اتهام کم کاری اخراج شدند و به چند نفر دیگر که به اخراج کارگران اعتراض کرده بودند اخطاریه دادند.

■ روز ۹ تیر، ۴۰۰ - ۵۰۰ نفر از کارگران مخبرات و کارگران شرکت I.B.C در مقابل اداره مخبرات خیابان کریم خان زند اجتماع کرده و خواستار عماه حقوق عقب افتاده خود شدند. مقامات مسئول به آنها جوابی ننمیدهند و کارگران تصمیم به راه پیمایی میگیرند که با ماشین پلیس و افراد کمیته روبرو میشوند. ولی کارگران خشکینا نه به آنان حمله و ر شده و علیرغم تیراندازی هوایی آنها قدمی هم عقب نشینی نمیکنند مردمی که از آنجا رد میشدند از کارگران پشتیبانی کرده و از وحشیگری ها و جنایات پاسداران صحبت

میکردند (از بقیه جریان خبری در دست نیست).

■ تحصن کارگران شرکت بی ای، ام (محمودآباد)

نمایندگان ۵۵ نفر از کارگران ساختمانی بی ای، ام اینک مدتی است که برای جلوگیری از اخراج دستجمعی و لگد مال شدن حقوقشان جلوی اداره کار در قاع شهر دست به تحصن زده اند. آنها که پس از قیام سال ۵۷ با مشکل باز کردن محل کارشان مواجه بودند، ابتدا آنقدر میان ادارات دولتی پیاس داده شدند تا سرانجام شرکت نفت آنها را به جهاد سازندگی تحویل بداد. اما جهاد هم ۴۰۰ نفر از کارگران را اخراج کرد و باقیمانده کارگران نیز گفته است که فقط نیمی از حقوق و مزایا را به آنها خواهد پرداخت.

اینک کارگران دیگر کار به استخوانشان رسیده و با تحصن جلوی اداره کار قاع شهر، حق خود را میخواهند.

■ در یکی از روستاهای اطراف کازرون در اوایل خرداد ماه زمانی که کارشان به روزی روستایان به محصول بخور و نمیری رسید و روستایان در حال جدا کردن گندم از کاه بودند مالکین با مزدوران خود بر سر زمین ها آمدند تا به زور نصف گندم ها را از روستایان بگیرند اما با مقاومت و مبارزه روستایان روبرو شدند. روستایان شعار میدادند:

دهقانان بیدارند!
از مالکین بیزارند!
تا خون در رگ ماست
مالک دشمن ماست!

ساعت ۲/۵ بعد از ظهر درگیری بین دهقانان زحمتکش و مالکین مزدوران آغاز شد و تا ساعت ۹ شب طول کشید.

در طول این درگیری یک نفر کشته و ۲ نفر زخمی شدند. و تعداد زیادی از مالکین و مزدوران نشان نیز زخمی شدند و روحیه روستایان عالی بود و گندم ها را که از دست مزدوران و مالکین مفت خورنجات داده بودند کسبه کیسه به خانه ها آوردند!

■ در پستیانی از ۳ کارگر انقلابی کارخانه ایران میتون (شیراز) تمامی کارگران دست از کار میکشند اما منته اعتصاب کارگران به راه پیمایی و تظاهرات خیابانی نیز کشیده شده است.

■ هفته پیش عوامل خسرو خان قشقای و ابراهیم خان و خانهای دیگر فارس به دهقانان دشت ارژن حمله کرده و ضمن ضرب و شتم دهقانان میخواستند که خرمنها را آتش بزنند، که توسط دهقانان دستگیر شده و به مقامات سپرده میشوند مقامات جمهوری اسلامی بعد از چند روز آنها را آزاد میکند چند ماه قبل نیز خانها چادرهای دهقانان همین محل را آتش زده و گوسفندان روستایان را کشته و فراری داده بود دندک دهقانان با زهم آنها را دستگیر و به مقامات سپرده بودند که آیت الله ربانی شیرازی آنها را آزاد کرده بود.

این بار دهقانان به آژادی خان ها اعتراض کردند اما مقامات دهقانان معترض را دستگیر کردند!! بعد از دستگیری دهقانان معترض بقیه روستایان در استاندار می متحصن شدند!

■ حدود سه هفته پیش ۷۰ پا - ساروما مور شهر بانی یکی از آپارتمانهای تصرف شده به وسیله گودنشینان در میرداماد

را محاصره میکنند و میگویند که آپارتمانها باید تخلیه شود و شما قانون شکنی کرده اید! اما زحمتکشان گود در مقابل پاسداران مقاومت کرده و آنان را به عقب نشینی وادار میکنند.

■ بعد از ظهر چهارشنبه ۵۹/۴/۴ در محله تهران نوفلک چایچی در درگیری اهالی با پاسداران سه نفر از اهالی محل زخمی میشوند.

علت درگیری این بوده که یکی از جوانهای معتاد محل که خود و خانواده اش طرفدار حزب جمهوری اسلامی هستند، در محل اقدام به فروش مواد مخدر و کشیدن حشیش میکند. جوانهای محل به این عمل او اعتراض میکنند و با او میگویند. پاسداران به کمک فرد معتاد آمده و شروع به تیراندازی میکنند که در نتیجه آن سه نفر از اهالی تیر خورده و زخمی میشوند. بدنبال این واقعه اهالی خشمگین محل به پاسداران حمله ور شده و آنها را فراری میدهند.

■ کارگران زرین خط یکی از زخمی های درگیری روز کارگردار کرمانشاه در بیمارستان شهید شد. کارگران زرین خط که چاقوبه نخاعش خورده بود در زمانی که همکلاسی هایش امتحانات ثلث آخر را میدادند از دستیار رفت. همکلاسی هایش هر روز روی صندلی اش گول می گذاشتند و روز آخر امتحانات به مناسبت شهادتش ۱ دقیقه سکوت کردند و بعد از سکوت سرودای رفیقان را خواندند این بزرگداشت در تمام سطح دبیرستان و همچنین شهرتایر خوبی داشت!

بقیه در صفحه ۹۰

برقرار باد جمه — وری دمکراتیک خلق!

مبارزات متحدانه...

آمریکا و ممانعت در مقابل سودبری مطلوب سرمایه داران خارجی، کشورهای امپریالیستی و در رأس آن آمریکا محدودیت هایی در زمینه مواد اولیه و لوازم یدکی و ماشین آلات برای ایران ایجاد کرده اند. و این موضوع کارگاه های مارا که گاه تا پیچ و مهره شان نیز وابسته به کشورهای امپریالیستی و نیازمند واردات از آنجاهاست به تعطیل گشاده است و با توجه به رابطه کارخانجات مختلف واضح است که تعطیل یک کارخانه بزرگ و کم شدن تولید یک کت مهم چندین کارگاه و کارخانه را فوراً و با چند ماه بعد به تعطیل میکشاند، بحران اقتصادی سیاسی حاکم بر جامعه راه حل انقلابی میخواست راه حلی که تنها با درهم کوبیدن نظام سرمایه داری و وابسته میتواند اجرا شود، اما رژیم جمهوری اسلامی راه حل ضد انقلابی و سرمایه دارانه است و این راه حلها روز به روز بر عمق بحران اقتصادی وسیعتری افزوده و به تعطیل هرچه بیشتر کارگاهها و کارخانهها منجر میگردد.

■ وظیفه کارگران در مقابل تعطیل کارگاهها
اما آیا کارگران در مقابل بیکاری روزافزون در مقابل تعطیل هر روز کارگاهها باید دست روی دست بگذارند، آیا آنها باید تبلیغات ضد کارگری و فریبکارانه رژیم را در مورد صبر انقلابی و عدم تضعیف رژیم جمهوری اسلامی بیاور کنند و در این دوران گرانی، کمبود مسکن و سخت تر شدن زندگی ساکت بمانند و فرو بپایند؟
نه! اگر کارگران بایدها بستن کارگاهها شده و علیه

تعطیل آنها مبارزه کنند! باید از بیکاری و اخراج کارگران جلوگیری کنند. تاکنون در اکثر کارگاهها و کارخانهها تعطیل و اخراج با مبارزه متحدانه کارگران روبرو بوده است. کارگران که بیکاری خود را معادل گرسنگی و فقر هرچه بیشتر میدانند، با چنگ و دندان در مقابل این زورگویی کارفرمایان به شکل های مختلف مقاومت و مبارزه کرده اند. از قبیل:
۱۵ - افشای توطئه تعطیل کارخانه توسط اعلامیه و پلاکار در شهرها و جلیب پشتیبانی از مردم و زحمتکشان و کارگران (مانند مبارزه کارگران خیاط که شرح آن در پیک رزمندگان شماره ۱۵ آمده و مبارزه کارگران شهرداری مسجد سلیمان)

۲۵ - گروگان گیری شما -

■ کارگران بایدها اقدام انقلابی اشغال کارخانه دست زنند، کارفرما و مزدورانش را اخراج کرده و خود اداره کارخانه را بدست گیرند و به تولید ادامه دهند.

بندگان کارفرمایان (مانند مبارزه کارگران شرکت گسترش مسکن پیک شماره ۱۹)
۲۵ - تحمیل کارگران (مانند شرکت بی. ای. ام. و کارگران شهرداری مسجد سلیمان)

■ شکل مقاومت و مبارزه کارگران در مقابل چنین زورگویی های کارفرمایان و دولت به سطح مبارزات سیاسی و میزبان آگاهی و تشکلی کارگران بستگی دارد و عالیترین شکل مقابله با این زورگویی اشغال کارخانه و راه انداختن آن با هدف نشان دادن این واقعیت است که اگر سودپرستی سرمایه داران نباشد، این کارخانهها را میشود راه انداخت در جایی که سرمایه داران تهدید به تعطیل کارخانه و اخراج کارگران میکنند، و در حالیکه قصد آنها از این کارافز

ایش فشار به کارگران و درهم شکستن حرکات اعتراضی آنها و اجبار آنها به عقب نشینی است در این صورت باید کارگران آگاه و مبارزان تهدیدات را افشاء کرده و امکان اداره کارخانه را توسط خودشان بر روی تمام کارگران توضیح دهند در صورت عملی شدن این تهدید کارگران بایدها اقدام انقلابی اشغال کارخانه دست زنند، کارفرما و مزدورانش را اخراج کرده و خود اداره کارخانه را بدست گیرند و به تولید ادامه دهند. برای ادامه تولید کارگران بایدها تمام اقدامات لازم از قبیل محافظت از مواد اولیه و محصول، ارتباط با شوراها و اتحادیه های واقعی دیگر کارخانجات و بخصوص کمربلات دست زده و در صورت مصرفی بودن محصول

۱۵ - افشای توطئه

■ کارگران بایدها اقدام انقلابی اشغال کارخانه دست زنند، کارفرما و مزدورانش را اخراج کرده و خود اداره کارخانه را بدست گیرند و به تولید ادامه دهند.

با فروش ارزان تر آن در بازار. ارجحانیت خود را به توده ها و در واقع راه و روش از بین بردن مساله گرانی را به زحمتکشان نشان دهند. کارگران در تمام این مدت باید متوجه تا مین و کسب مواد اولیه باشند و در صورت کار شکنی دولت و سایر سرمایه داران به مقاومت و اعتصاب و تحصن و افشای عملکرد دولت در این مورد دست زنند. در تمام طول آیین مبارزات کارگران بطور جدی باید در پی راه انداختن کارخانه حتی بطور موقت و اجبار دولت به تامین مواد اولیه در صورت نبودن - باشند.

اما در هر مبارزه پیشبرد امر مبارزه احتیاج به سازماندهی و تشکلی کارگران دارد از اینرو کارگران مبارز و آگاه باید با تشکیل شوراهای واقعی و در صورت وجوب

شورای واقعی با فعال کردن هر چه بیشتر آن در این زمینه کارگران را به مبارزه متحدانه و یکپارچه در مقابل این عمل ضد کارگری دولت و کارفرمایان بکشانند. در این مبارزه باید تمامی کارگرانی را که از مدتی پیش اخراج شده اند خبردار کرد و آنان را به مبارزه متحد علیه کارفرما فراخوانند. و باید دیگر کارخانه های که تعطیل شده و یا در شرف تعطیل هستند را بطور قرار کرد. همچنین با اقبای اقدامات ضد کارگری کارفرمایان کارگران کارخانه های دیگر پشتیبانی آنها را جلب نمود تا اتحاد و همبستگی، مقاومت و مبارزه کارگران در مقابل اخراج تعطیل، یا تهدید به تعطیل کارخانه تنها راه جلوگیری از بیکار شدن دهها و صدها کارگر و پیوستن آنان به صف بیکاران در این شرایط سخت و بحرانی است.

■ طبقه کارگر در رجه های مختلف مبارزه با سرمایه داران و دولت آبدیده میشود و ضمن اینکه برای داشتن حداقل حقوق برای امرار معاش خود و خانواده مبارزه میکند. اگر هتر، متحدتر، متشکل تر میشود و برای نبرد نهایی و سرنوشت ساز یعنی برای درهم کوبیدن نظام مپوسیده سرمایه داری و وابسته مهیا میگردد. به امید آن روز!

بقیه از صفحه ۸

■ بدنبال تعلیق طرح گسترش مجتمع پتروشیمی شیراز ۱۲۰۰۰ نفر از کارگران زحمتکش سه شرکت ساختن (گاما، زمینه و شانه) از کار برکنار و اخراج گردیده اند. چند هفته قبل از بسته شدن کارگاهها، کارگران با تمام مقامات مملکتی از امام گرفته تا وزارت کار و استانداری و فرمانداری ارتباط گرفته بودند و هیچ جوابی از آنها نشنیدند. بعد از تعطیل کارگاهها کارگران تصمیم به تحصن در محل کار خود گرفتند و روز دهم تیر به یک تظاهرات با شکوه در خیابانهای شیراز دست زد و سپس در جلوسا ننداری جمع شده و خواسته های خود را اعلام کردند. این تظاهرات از پیشبانی مردم برخوردار شد.

بقیه از صفحه ۱۰

کارگران صنعت نفت...

سی و چهار سال پیش، در پرداخت *

شرایطی که جنگ امپریالیستی دوم جهانی، با تضعیف اقتدار امپریالیزم انگلیس و فرار رضاخان، اوضاع مساعدی برای رشد آگاهی های سیاسی و اجتماعی و گسترش مبارزات طبقاتی فراهم آورده بود، طبقه کارگر قهرمان ایران یکی از مهم ترین نیروهای جبهه خلق در پیکار با حکومت بود.

در خرداد ماه سال ۱۳۲۵ مبارزات یازده روزه کارگران سراسر ایران که بشکل اعتصاب سراسری انجام گرفت، سرانجام حکومت "قوام السلطنه" خائن را مجبور به عقب نشینی کرد و قانون کار جدیدی را که انعکاس پاره ای از خواسته های آن زمان کارگران بود، به تصویب رساند. اما این عقب نشینی محدود و موقتی بود. شرکت غارتگر نفت ایران و انگلیس - که در حقیقت سرخ حکومت مرکزی هم در دستش بود - از اجرای این قانون کار خودداری کرد و خشم کارگران را برانگیخت.

کارگران نفت تهران مجددا دست به اعتصاب زدند، اما با یورش وحشیانه حکومت و بازداشت عده ای از کارگران مبارز و نیرو شدند. حکومت قوام السلطنه از اتحاد مبارزه کارگران سخت بلوحتست افتاده بود و به همین دلیل از یکسو برای مقابله با اتحادیه های کارگری به ایجاد اتحادیه های قلابی (زرد) دست زد و از سوی دیگر با ایجاد دستجات چاقو کشان حرفه ای بنام "گروه نجات" به مقابله با اتحادیه های کارگری

* تاریخ طایفه گری های بورژوازی، همواره این اقدامات را تجربه کرده و خواهد کرد. کوشش جمهوری اسلامی ایران برای درست کردن شورا های فرمایشی و در عین حال تشکیل دستجات حزب الهی، در حقیقت تکرار همان تجربه ها در اشکال جدید است!

غیر قابل انکاری است که میر - علیه امپریالیزم و حکومت آن رشد آگاهی های اجتماعی دست نشاندگان شدند.

سیاسی کارگران ایران رادر روز ۲۳ تیر، کارگران

سی و چهار سال پیش بخوبی نشان میدهند و نقش برجسته طبقه کارگران ایران را بمثابه یکی از مهم ترین سنگر های مبارزات ضد امپریالیستی زحمتکشان میهنان، تصویر میکند. خواسته هایی که کارگران آگاه نفت، در اعلامیه مذکور مطرح کرده بودند عبارت بود از: ۱- برکناری و اخراج استاندار خوزستان، بنام مصباح فاطمی که در حقیقت نوکر دست به سینه انگلیس ها میان مشت های خالی وسینه

امروز طبقه کارگران ایران، باید با بهره گیری از دستاوردهای ارزشمند جنبش پرفراز و نشیب کارگری، تمام معامله گران سازشکار را بدرستی باز شناخته و آنان را چون خس و خاشاکی بی مقدار از مسیر پیرخروش مبارزات خویش کنار زنند.

در منطقه نفتی جنوب بود. ۲- خلع سلاح اتحادیه عشا یخوزستان که دیدیم دارودسته مسلحی بر علیه کارگران و زحمتکشان بود که مستقیما بوسیله اربابان انگلیسی ایجاد شده بود.

۳- جلوگیری از مداخله شرکت نفت ایران و انگلیس در امور سیاسی ایران. ۴- انحلال اداره خدمات سیاسی و اخراج سران آن از ایران. این اداره در حقیقت جاسوسخانه انگلیس در ایران بود.

۵- اجرای کامل قانون کار. و بدین سان بود که کارگران آگاه نفت جنوب، با طرح شعار های سیاسی، وارد عرصه جدیدی از مبارزات خود بر

های نیرومند کارگران از یکسو و گلوله های سربازی دیگر آغاز شد. وحشیگری حکومت دست نشاند امپریالیزم، بار دیگر صحنه های خونباری از جنایات آنان را به نمایش گذاشت. ۴۷ کارگر شهید و ۱۷۳ نفر زخمی شدند. کارگران در این روز از خود قهرمانی های شگفتی نشان دادند. این جنگ نابرابر، تا پاسی از شب، میان کارگران و مزدوران حکومت ادامه داشت. امپریالیزم انگلیس در برابر تهور و پیکار - رچی کارگران بیدفاع، آنچنان به وحشت افتاده بود که یک ناوگان جنگی بسمت خلیج فارس گسیل داشت!

فردای آنروز، موج انزجار و اعتراض سراسر بقیه در صفحه ۱۱

۲۳ تیر سالروز مبارزات کارگران صنعت نفت گرامی باد!

بقیه از صفحه ۱۲

اخبار کردستان قهرمان

● روز چهار تیر پیشمرگان کومه له در مها با دجاش هایسی را که در انفجارات اخیر دکه سازمان پیکار جلوی مقر کومه له و ماشین تشکیلات پیشمر که زحمتکشان دست داشته اند دستگیر کرده اند تعداد این جاش ها ۲ نفر است. قاسملو پس از شنیدن خبر دستگیری بلافاصله تحویل جاشها را خواسته است و دلیل آورده که ما نیروی اصلی در مها با دهستیم کومه له این درخواست را رد کرد و جاشها را برای محاکمه در پیش خود نگه داشته است. این مسئله به مقدار زیادی ماهیت حزب دمکرات را در میان مردم شهر آشکار کرده است!

● - روز ۳ تیر قاسملو در مها با دشمنانی داشت. قاسملو در این سخنرانی گفته است که "علامه نوری" از طرف

بنی صدر برای مذاکره پیرامون صلح پیش آمده است و قرار شد که به آنها "خود مختاری اسلامی" بدهد و قاسملو هم پذیرفته است.

● در چند روز گذشته (هفته اول تیر) و بخصوص پس از سخنرانی کومه له به مناسبت اعلامیه مشترک حزب دمکرات و سازمان چریکها که طآن کومه له شدیداً مواضع سازشکارانه آنها را نقد کرده است، تعدادی از پیشمرگه های حزب دمکرات و سازمان چریکها به صفوف پیشمرگان کومه له پیوستند. پیشمرگ سازمان چریکها با اسلحه خودشان به کومه له

مراجعه کرده و درخواست فعلی لیت زیر فرماندهی کومه له را نموده اند و در ضمن گفته اند که حدود ۱۰ پیشمرگه دیگر هم میخواهند به شما بپیوندند. در مریوان نیز دو پیشمرگ دمکرات با اسلحه حزب دمکرات به کومه له مراجعه کرده اند که حزب برای پیش گرفتن اسلحه خود به کومه له آمده است. اما خوشبختانه از دادن اسلحه خودداری کرده و گفته اند که "اسلحه منطبق به خلق است و آن را به شما نمیدهیم" حزب آنها را تهدید به مرگ کرده است.

● روز اول تیر در مها با د

سازمان چریکها ۱۲ گروگان ارتشی و پاسدار را بدو ن هیچگونه درخواست میا دل زندانین و مبارزات قهرمان خلق کرده اند. این جریان که نزدیکی هر چه بیشتر سازمان چریکها را به هیئت حاکمه ضد انقلابی و در نتیجه جدایی هر چه بیشتر او از منافع خلقهای تحت ستم ایران نشان میدهد در مردم تاثیر منفی بسیاری داشته و مردم کردستان بخصوص مردم شهرهای اشغالی چون سنندج، بانه و سقز به هیچ رو این عمل را نپذیرفتند.

کارگران صنعت نفت ...

بقیه از صفحه ۱۰

ایران را فرا گرفت. از هر گوشه کشور، قریباً دو اعتراض کارگران و زحمتکشان طنین انداخت. مردم از این اعمال وحشیانه عصبانی شده و به دولت اعتراض کردند. دولت خائن قواوالمسلطه، وقتی اعتصاب را شکست ناپذیر و خود را در میان افکار عمومی زحمتکشان ایران منزوی یافت، مجبور شد عده ای را برای مذاکره با کارگران به جنوب بفرستد، تا بلکه با ابرعاب و فریب کارگران، آتشله های خشمی که در سراسر ایران برافروخته شده بود، خود را با بانیان انگلیسی اش را نجات دهد!

کردند که تمام خواسته های کارگران را به مورد اجرا گذاردند و در عین حال مسببین کشتار وحشیانه ۲۳ تیر را هم دستگیر و مجازات کردند. کارگران که کمترین اعتمادی به عمال حکومت نداشتند، از آنجا که نمایندگان حزب توده را جزو رهبران "شورای متحده کارگران و زحمتکشان سراسر کشور" میدانستند، به این وعده و وعیدها اعتماد نکردند و اعتصاب خونباری که گلوله های امپریالیستی قامت استوارش را نلرزانیده بود، با حربه رذیلانه فریبکاری سازشکاران درهم شکست.

حزب توده ایران، در سر استارخ با مصالح مبارزاتش، هیچگاه دغدغه ای جز در یوزگی به پیشگاه صاحبان قدرت نداشته و ندارد. رهبران خائن حزب توده که خود را مدافع منافع طبقه کارگر جا میزنند و در این رهگذر پاره ای از کارگران را نیز

میفربینان آنجا که برای سوار شدن، خمرادر ااهی جزگدایی ورت و چشمک زدن به حکو متکرات می دانند، کار کرده اند که با سازش با خیانست به طبقه کارگران ایران است. این جهان که به هنگام "معامله" با علم السلطنه وعده شرکت در حکومت کثیف او را بجا نیاورد، با بهره گیری پلانه از اعتماد صادقانه ای که کشتی از کارگران بدیده داشتند، خون عزیز شهدای حزب توده را آویختن خود به پای های مدارت پوشالی قوا قرار داده و آرمان های انقلابی کارگران مبارز شرکت نفت را لگدمال کردند.

کارگران اعتصاب را شکستند و با اعتصاب اینکه درخواستهایشان برعت برآورده خواهد شد به سر راهیشان بازگشتند. دو هفته بعد به خاطر نقش خائنان حزب توده در خاموش کردن اعتصاب کارگران قوام السلطنه و نفوذ رهبران

حزب توده را در دولت خود وارد کرد. آنگاه چنین دولتی برای سرکوب کارگران وارد کارزار شد. درخواست کارگران غیر قابل نونی اعلام شد. اعضای اتحادیه ها دسته دسته توقیف شدند. چندین هزار نفر از فعالین نهضت از کار برکنار شده و حتی ۵۵ نفر از کارگران هندی که در اعتصاب فعالانه شرکت داشتند از خوزستان تبعید شدند. حکومت ضد خلقی قواوالمسلطه بدون همکاری و کمک سران خائن حزب توده مسلماً به سادگی نمیتوانست جنبش اعتصابی کارگران را سرکوب نماید.

امروز طبقه کارگران ایران، باید با بهره گیری از دستاوردهای ارزشمند جنبش پرفراز و نشیب کارگری، تمام معامله گران سازشکار را بدرستی باز شناخته و آنان را چون خس و فانی بی مقدار از مسیر برخورد مبارزات خویش کناره زنند!

دکه‌ها بسته شود؟ همه میدانند که مثلاً از فلان قصابی و بیابان قصاب تریاک و هروئین گرفته شده است، آیا راهش این است که همه قصابی‌ها بسته شوند؟

شهرداری و وزارت بهداشت بفرزیه‌سازی شهرو حفظ بهداشت محیط زیست اند، درحالی که زحمتکشان، به‌چشم‌ان منتظری می‌اندیشند که در خانه‌ها برای لقمه‌نانی انتظار میکشند جا معرا خطر فقر و فلاکت تهدید میکند آنوقت زیبا سازی شهر بهانه قرار میگیرد.

شهر تهران، در زمان شاه هم زیبا بود، همه چیز سر جای خودش نه سد معبری و جود داشت و نه ژنده پوشان و پابرهنه‌گانی که جرات کنند فضای پاک شمال شهر را آلوده سازند!

اما این ظاهر قضیه بود و در عمق قضا یا چیز دیگری جریان داشت. رژیم حاضر که نتوانسته و نمیتواند مشکلات عظیم زحمتکشان را حل کرده و جا معرا از بحران بدر آورده، به ظاهر سازی و زیبا سازی دست زده است! زیرا که وجود دهها هزار دکه دار، خود نمایی و وجود بحران اقتصادی بیکاری پنهان و ورشکستگی اقتصاد است. وجود دهها هزار دکه دار، نشانه نبودن تولید و وجود مصرف روبه تزايد است. رژیم حالا که نمیتواند این مشکل را حل کند به ظاهر آن پرداخته است! این است منطق و چاره رژیم!

حکومت ادعا میکند برای دکه داران کار ایجاد خواهد کرد و به همین مناسبت در کمیته‌ها - کسب و کاری، از وزارت کار نیز نماینده‌ای وجود دارد. اما دکه داران می‌پرسند (و حق

بقیه در صفحه ۶

پرچیدن دکه‌ها

راه حل رژیم برای مشکل بیکاری!

خویش را به گردن دکه داران بیندازد و به بهانه اینکه احتمالاً در چند دکه، هروئین خرید و فروش شده است همه دکه داران را از نان خوردن بیندازد.

و سرانجام، دست اندرکاران حکومت، که دکه داری را به علل گوناگون خطرناک دیده اند می‌خواهند، این پدیده را که خودش معلول بحران های اقتصادی و اجتماعی جامعه بحران زده ماست، با زور تیر و تفنگ نابود کنند. آنها ناچاراً باید سیستم را حفظ کنند اگر چه در این راه صد ها هزار نفر نابود شوند. و حالا در شهر تهران، کمیته پاک سازی از همه ارگانهای ذکر شده در بالا تشکیل شده است و نتیجه معلوم است. التیما تو به زحمتکشان یک فرصت ۴۸ ساعته برای پیوستن دکه داران به صف عظیم بیکاران! اینست چاره و راه حل رژیم برای مشکل بیکاری!

حکومت، بیشتر مانع و وقیحا نه، هزاران زحمتکش میهنمان را که از زور بیکاری به دکه داری پناه آورده اند، و در زیر برف و باران، و سرمای زمستان و آفتاب سوزان و هوای کُف آلود تابستان، برای بدست آوردن لقمه نانی بکار پر زحمت خود مشغول اند کاری که اغلب کفاف زندگیشان را هم نمیدهد به ترویج فساد متهم میکند آیا اگر در چند دکه، هروئین به فروش رسید، آیا بدهمه

"شهروندان" شمال شهر پیش شده است، بدون اینکه محیط زیست را بطور واقعی بشناسد و از مساله درمان و بهداشت برداشتی بنفع زحمتکشان داشته باشد.

اداره مبارزه با مواد مخدر در ناتوانی و در حل مساله اعتیاد و سودی نظام سرمایه داری به زمینه اش فراهم نمیکند می‌خواهد کنگره های

شهرداری بفرزیه‌بازی شهر است بدون اینکه به گز - سکی زحمتکشان بیندیشد.

پلیس تهران و کمیته مرکزی بفرزیه بازی رفتن سد معبر و نظم و ترتیب رفت و آمد در شهر ندید و این که به زندگی زحمتکشان بیندیشد. دایره مبارزه با منکرات، بفرزیه بازی کردن آلات و ادوات موسیقی و نوارهای آهنگ و ترانه است. بدون آنکه برای پیش اهمیت داشته باشد این امر به زندگی چه تعداد از زحمتکشان تاثیر می‌گذارد.

وزارت بهداشت، بجای حل مساله بهداشت و درمان زحمتکشان (که توانایی انجام آن را ندارد)، به فکر محیط زیست افتاده و نگران حال



اخبار کردستان قهرمان

● اخبار رسیده از کردستان
حاکمیت که عوامل مزدور عراق

صفحه ۱۱

اتحاد پولادین کردستان و زحمتکشان نظام پوسیده
سرمایه داران وابسته را درهم خواهد کوبید!